

جستاری بر انسان‌شناسی / نشانه‌شناسی شهری و نقش آن در خوانایی فضاهای شهری
(مورد کاوی: شهر اصفهان)

دکتر سید مصطفی مختاباد^۱، سجاد محمدپارزاده^۲، بهنوش شمس‌الهی^۳

چکیده

در رویکردی انسانی به شهر، شهر را می‌توان معلول زیست‌انسانها در محدوده‌های جغرافیایی مشخص و تعریف شده‌ای دانست که این محدوده‌ها بواسطه حضور انسانها و فعالیتها و روابط انسانی آنان مشخص می‌گردند. چنانچه نیاز انسانها را به دو دسته تقسیم‌نماییم؛ مادی و معنوی شهرها نقش قابل توجهی در پاسخگویی به این نیازها خواهند داشت که البته آنچه در این مقاله مشمول نظر بوده توجه به بعدی معنوی و انسانی شهرهاست که در این مقاله تحت عنوان زیباشناسی شهری مورد توجه قرار گرفته است زیرا با رشد فزاینده شهرها و روند رو به رشد شهرنشینی این بعد کم‌کم به دست فراموشی می‌رود و تنها شهرها فضاهایی می‌گردند در جهت پاسخگویی به نیازهای مادی شهروندان و این فرایند با پیامدهای ناخوشایندی همراه خواهد بود که یکی از آنها از بین رفتن و تنزل هویت‌های شهری می‌باشد. در این مقاله سعی می‌گردد تا با تکیه بر نظر «کوبن لینچ» و عوامل اساسی که او در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان و خوانایی و نمایانی شهر مطرح نموده بر ویژگیهای زیباشناختی این عوامل در تقویت خوانایی و نمایانی شهر تأکید گردد و جهت پاسخگویی به پرسشهای پژوهش، شهر اصفهان را به سبب ویژگیهای متمایز آن نسبت به سایر شهرهای ایران که سبب انتخاب آن نیز به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام نیز بوده مورد مطالعه قرار دهیم که نتایج حاصل از این پژوهش عبارتند از:

- رودخانه زاینده‌رود مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان نسبت به سایر نشانه‌ها دارا می‌باشد که البته حضور نشانه‌های نمادین چون سی و سه پل و پل خواجه این نقش را تقویت نموده‌اند.
از دید عوام شهر زیبا به شهری اطلاق می‌گردد که دارای فضای سبز مناسب بوده، تمیز و پاکیزه باشد و در شب از روشنایی مطلوب و مناسبی نیز برخوردار باشد.

نشانه‌هایی که از لحاظ مکانی در موقعیتی واقع گشته‌اند که مرتب در نقطه دید شهروندان هستند و هر روز با آن نشانه‌ها رو به رو می‌گردند در خوانایی و شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان به خصوص اگر به صورت مجموعه‌ای از نشانه‌ها به صورت یک مجموعه به هم پیوسته و منسجم باشند و مؤثرتر عمل می‌نمایند بنابراین در زیباسازی فضاهای شهری موقعیت مکانی نشانه‌ها بایستی مورد توجه قرار گیرد.

میان دو بافت قدیم و جدید شهر اصفهان از لحاظ ویژگیهای گرافیکی و زیباشناختی تفاوت مشهود می‌باشد که به خوبی این تفاوتها را در شکل و فرم خانه‌ها، مغازه‌ها و مراکز تجاری، اجناس مغازه‌ها و مراکز خرید، اسامی مغازه‌ها، پوشش دختران و زنان، نوع اتومبیل‌ها، وجود اماکن مذهبی و ... مشاهده نمود.

واژگان کلیدی: خوانایی، زیبایی، شهر، شهروندمداری، فضا، نشانه.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۲

۱- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس-دانشکده هنر و معماری

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک-دانشکده علوم انسانی(نویسنده مسئول)

۳- دانشجوی دکتری انسان‌شناسی شهری

مقدمه

مطالعات در حوزه انسان‌شناسی شهری کمتر از ۱۰ سال است که در ایران آغاز گردیده و این در حالی است که در کشورهای اروپایی و امریکایی عمری بیشتر از دو دهه را پشت سر گذارده بدین سبب این رشته در ایران باب تأمل و تفکر در مباحثی را باز نمود که تا به حال مورد توجه نبوده که به همین علت با کمبود متون تخصصی در این حوزه نیز مواجه هستیم به عبارتی می‌توان اینطور عنوان داشت که رشته انسان‌شناسی شهری در ایران به سبب نو و جدید بودن هنوز به آن رشد و بالندگی نرسیده که قابلیت خلق ادبیاتی تخصصی و گسترده را در زمینه‌های مورد مطالعه ارائه نماید. برخی معتقدند که انسان‌شناسی تنها به مطالعه آداب و رسوم و گذشتگان و شیوه زندگی آنان و مطالعه اقوام بدوی و ... خلاصه می‌گردد در حالیکه این تصور، تصویری صحیح نبوده و در این پژوهش سعی گردیده بر بعد کارکردی این رشته در عصر حاضر پرداخته زیرا مطمئناً هر علمی و هر پژوهشی در صورت کاربردی بودن واجد ارزش خواهد بود. بهبود کیفیت فضاهای شهری و توجه به سلامت روحی - روانی شهروندان و در نهایت تقویت تعلقات مکانی در عصر تکنولوژی و صنعت امری مهم و ضروری می‌باشد که نیل به این هدف در صورتی امکانپذیر خواهد بود که تعامل و همفکری علمی چون انسان‌شناسی، شهرسازی، معماری، روان‌شناسی، تاریخ افزایش یافته و هر کدام از این علوم خود را بی‌نیاز از سایر علوم ندانند و بدین ترتیب گامهای مؤثری در جهت خلق ادبیات تخصصی انسان‌شناسی شهری برداشته خواهد شد.

نشانه‌های شهری و بدین ترتیب گامهای زیباشناختی آنها می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفی فضاهای شهری داشته و به سه مقوله به خوبی پاسخ دهند یعنی «ادراک فضایی»، «احساس زیبایی» و «احساس تعلق» بنابراین نشانه‌ها در تشخیص و تعریف فضاهای شهری و ساخت سیمای شهر در ذهن شهروندان بسیار مؤثر عمل می‌نمایند پس از دو جنبه برخوردار می‌باشند یعنی کارکردی و زیباشناختی که امروز توجه به بعد کارکردی بیش از بعد زیباشناختی آنها موردنظر مدیران شهری می‌باشند. نشانه‌ها، فضاهای شهری را برای شهروندان خوانا و قابل ادراک نموده و در صورت برخوردار بودن از فاکتورهای زیباشناختی قادر خواهند بود حس زیبایی و تعلق مکانی را در شهروندان ایجاد نمایند زیرا احساس زیبایی و احساس تعلق مکانی در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر می‌باشند.

شهر تاریخی اصفهان که در این پژوهش مورد توجه بوده در طول تاریخ، یعنی از بدو پیدایش تاکنون به سبب موقعیت جغرافیایی خاص آن همواره مورد توجه دولتها و حکومت‌های مختلف بوده است و بارها و بارها به عنوان پایتخت ایران زمین از سوی پادشاهان برگزیده شده است اما آنچه سبب مطرح شدن این شهر در سطح جهانی و انتخاب آن به عنوان پایتخت هنری ایران گردید آثار بر جای مانده از عصر صفویه می‌باشد به طوریکه امروز همچنان این شهر در زمینه شهرسازی و معماری متأثر از مکتب شهرسازی

اصفهان، که مربوط به عصر صفویه می‌باشد، است و آثار بر جای مانده از آن دوره همچنان هویت بخش این شهر می‌باشند و شهروندان از آنها به عنوان نشانه‌های نمادین یاد می‌کنند و هر ایرانی با شنیدن نام اصفهان جلوه‌هایی از هنر و معماری این دوره طلایی از تاریخ معماری و شهرسازی ایران در ذهنش نقش می‌بندد بنابراین با این تفاسیر سطح توقع از این شهر با توجه به جذب توریسم خارجی و داخلی در رابطه با ویژگی‌های زیباشناختی نشانه‌ها بیشتر از سایر شهرهای ایران بوده و توجه بیشتری را از مسوولان امر می‌طلبد.

در رویکردی انسان‌شناختی می‌توان شهرها را معلول زیست انسانها در محدوده‌های جغرافیایی مشخص و معینی دانست که این محدوده‌ها بواسطه حضور انسانها و فعالیتها و روابط انسانی آنان تعریف می‌گردند و شهر به عنوان یکی از پیچیده‌ترین زیستگاه‌های انسانی که در آن گستره‌ای از روابط شهروندان با محیط زندگی شکل می‌گیرد، ناگزیر به پاسخگویی نیازهای مادی و معنوی شهرنشینان است به گونه‌ای که علاوه بر تأمین نیازهای مادی باید بتواند هرچه بیشتر نیازهای اجتماعی آنان را نیز برآورده سازد.

شهر به عنوان محیط زندگی انسان باید قابلیت ایجاد ادراک هویت فضایی، احساس تعلق و ادراک زیبایی را، که ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر دارند، دارا باشد به گونه‌ای که ایجاد آرامش، امنیت و لذت را در آنان موجب گردد. در واقع بدون احساس هویت در فضاهای شهری نمی‌توان به آن دلبستگی و تعلق خاطر پیدا کرد و بدون احساس تعلق نمی‌توان به احساس زیبایی و لذت بصری دست یافت (احمدیه، ۱۳۸۵، ص ۸۶).

وضوح بصری یا خوانایی؛ کوین لینچ نظریه پرداز مشهور در حوزه شهر وضوح بصری را عبارت می‌داند از "اینکه به آسانی اجزاء شهری را بتوان شناخت و آنها در ذهن در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد" (لینچ، ۱۳۸۵، ص ۱۲). وی عوامل مؤثر در خوانایی و وضوح بصری سیمای شهر را در ۵ مورد خلاصه می‌کند که عبارتند از: گره، لبه، راه، نشانه و محله.

نمایانی [۱] لینچ در کنار مفهوم خوانایی، مفهوم نمایانی را نیز مطرح می‌نماید که می‌گوید: کیفیتی است در شیء که به احتمال بسیار تصویری روشن در ذهن هر ناظر بوجود می‌آورد. مراد آن شکل، رنگ و نظم سازمانی است که ایجاد تصویری روشن و مشخص با بافتی مستحکم و مزایای بسیار را از محیط زندگی آدمی آسان و مسیر می‌دارد، شهری که از ویژگی نمایانی برخوردار باشد به نظر خوش شکل، مشخص و قابل ملاحظه می‌رسد (همان، ص ۲۴).

فضا [۲] در رویکردی انسان‌شناختی به مفهوم "فضا"، اندیشه‌های «هانری لوفبور»، از جایگاه ویژه برخوردار می‌باشد، وی فضا را یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی دانسته که از یکسو تجربه حافظه تاریخی انسانها و از سوی دیگر تجربه زندگی روزمره آنها را شکل می‌دهد.

راپوپورت نیز مبنای رویکرد انسان‌شناختی به فضا را بر درک فضا به عنوان مجموعه‌هایی پویا از صحنه-ها می‌داند. "صحنه" به نظر او محدوده‌ای از فضا است که نظامی از فعالیتها را درون خود جای می‌دهد به صورتیکه رفتارها با محیط درون آن فضا روابطی قابل انتظار به وجود آورند بنابراین هر صحنه را می‌توان مکانی با فعالیت ویژه دانست (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۶). به عقیده جیوردانبرونو فضا از طریق آنچه در آن قرار دارد درک می‌شود و به فضای پیرامون یا فضای مابین تبدیل می‌گردد (گروت، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷). فضاهای مابین فضاهایی هستند که در ادراک سیمای شهر از نقش بسزایی برخوردار هستند زیرا نقش مهمی در ایجاد ارتباط میان عناصر مختلف شهری دارند که بارزترین فضای مابین در شهر خیابان است که براساس آن شهر را می‌شناسیم و مشخص‌ترین خصوصیت هر شهر است به همین دلیل است که خیابان چیزی بیشتر از یک جای خالی است که برای عبور و مرور در نظر گرفته شده باشد (همان، ص ۲۲۷).

زیبایی‌شناسی و زیبایی [۳] «الکساندر گوتلیب باومگارتنر»* برای اولین بار اصطلاح زیباشناسی را که ریشه‌ای یونانی دارد در قرن ۱۸ میلادی در مفهوم «ادراک حسی» به کار برد و بر این عقیده بود که موضوع علم زیباشناسی، زیبایی است که به کمک احساس شناسایی می‌شود و این نوع زیبایی را زیبای کامل یا مطلق می‌دانست همانطور که حقیقت مطلق را آن می‌دانست که به مدد عقل حاصل می‌گردد و خوبی مطلق از طریق اراده اخلاقی، بدین ترتیب وی از مفهوم زیباشناسی به عنوان مفهومی به موازات علم‌الاخلاق و منطق استفاده نمود و نقشی که عقل در علم‌الاخلاق داشت، سلیقه در زیباشناسی به دست آورد و بدین صورت سلیقه، احساس و ادراک وارد علم زیباشناسی گردیدند. مفاهیم زیبایی را به طور کلی می‌توان در دو سطح مطرح نمود، یکی مفهوم زیبایی برگرفته از شکل آن که آنرا «زیباشناسی فرمی» می‌گویند و بر ویژگیهای فیزیکی اشیاء چون اندازه، شکل، رنگ و پیچیدگی آن تأکید دارد و دیگر مفهوم زیبایی برگرفته از محتوا و معانی می‌باشد که آنرا زیباشناسی نمادین می‌گویند که بر مفاهیم تداعی شده از طریق محیط نیز تأکید دارد.

«سانتایانا» سه نوع زیبایی را در نظر می‌گیرد که عبارتند از: زیبایی حسی، زیبایی فرمی و زیبایی نمادین. «بورديو» معتقد است که هر اثر هنری دارای معانی در سطوح مختلف می‌باشد و سطوح اولیه و ثانویه‌ای را برای معنا در نظر می‌گیرد به عقیده وی در سطح اولیه ویژگیهای عنصری اثر هنری تجربه می‌شود، برای مثال رنگ، فرم و ساختار در نخستین سطح معنایی درک می‌گردد و در دومین سطح معنایی مفاهیم نمادین موضوع تبیین می‌شوند.

هگل در رابطه با حس زیبایی چنین می‌گوید: چنین به نظر می‌رسد که حس زیبایی حسی نیست که طبیعت آنرا به ما داده باشد و مانند یک گزینه کور بتوانیم در نهایت ذات، زیبایی را آنآ تشخیص بدهیم، این حس نیاز به آموزش دارد و حس زیبایی آموزش یافته را سلیقه می‌گوییم (گروت، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶).

جستاری بر انسان شناسی / نشانه شناسی شهری و نقش آن در خوانایی فضاهای شهری ۳۵

نشانه [۴] بنا بر تعریف «پیرس» نشانه عبارت است از «چیزی که ما به ازای چیز دیگر قرار می‌گیرد و از این طریق قابل فهم می‌شود و یا معنایی را تداعی می‌کند.» وی بر این اعتقاد است که هر نشانه از سه رابطه شکل گرفته است که عبارتند از: شمایل، نمایه و رمز.

بنا به عقیده «اکو» نشانه آنجا وجود دارد که گروهی از افراد انسان بپذیرند که از آن سود جویند و آنرا همچون علامت چیز دیگر به کار می‌گیرند و نشانه هر چیزی است که استوار به باروری اجتماعی و از پیش پذیرفته به جای چیز دیگر معرفی شود (بانی مسعود، ص ۱۶۱).

او معتقد است که نشانه‌شناسی با پدیده کلی‌تر فرهنگ ارتباط دارد و خودش را فقط به زبان یا فرایند ارتباط محدود نمی‌کند "در آرای "سوسور" نشانه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و جزئی از یک نظام نشانه‌ای به شمار می‌رود که وجودش وابسته به توانایی و اراده افراد اجتماع نیست، بلکه در نتیجه «عادات نشانه شناختی» همگانی بوجود می‌آید [بنابراین] سوسور به کارکرد اجتماعی نشانه تأکید می‌کند و پیرس بر کارکرد منطقی آن اما دو جنبه رابطه‌ای دو سویه و تنگاتنگ با یکدیگر دارند به طوریکه امروزه اصطلاح سمبولوژی و سمیوتیک یک رشته واحد را تشکیل می‌دهند (همان، ص ۱۵۷).

«کارل بولر» معتقد است هر نشانه برای اینکه نشانه زبانی تلقی شود باید در آن واحد سه نقش داشته باشد: اولاً بتواند نقش نماد را ایفا کند ثانیاً باید نقش نشان را ایفا کند و ثالثاً باید نقش علامت داشته باشد (صفوی، ۱۳۸۱، ص ۵۱).

بر طبق نظریه روان‌شناسی، معنا می‌تواند با ارتباط تمام اشیاء با یکدیگر ایجاد شود و خودش را به ارتباط اجتماعی در یک جامعه گفتار محدود نکند. دو روش مهم وجود دارد که تمام دستگاه‌های معنایی از طریق آن مفهوم را تولید می‌کنند: از طریق تعیین جانشینی معنایی و نحوی که هر کدام از اینها براساس تفاوت بین واحدهای فرهنگی بنا شده است و زمانیکه یک سیستم فرهنگی شامل نظم نحوی و نظم معنایی است ما می‌گوییم که این سیستم نمادی است. (Gottdiener, p59)

به گفته Denzin انسانها ابتدا براساس معنای اشیاء نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهند و دوم اینکه معنای اشیاء ناشی از فرایند ارتباط اجتماعی است سوم معنا از طریق فرایند تعبیری تغییر می‌یابد این فرایند بدان معناست که افراد کنشگر به طور نمادین با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند (همان، ص ۵۷).

«کویین لینچ» نشانه را یکی از عوامل سازنده سیمای شهر در ذهن شهروندان می‌داند و برای آنها اهمیت ویژه‌ای به جهت تقویت هویت شهری قائل می‌باشد و معتقد است که شهروندان از نشانه‌ها در شناخت سیما و یا بافت شهر بهره می‌گیرند به همین جهت آنها را مؤثر در تشخیص قسمتهای مختلف شهر می‌داند. به عقیده لینچ از خصوصیات مشخصه «نشانه»ها بی‌نظیر بودن آنهاست: عاملی که منحصر به فرد باشد و در

ذهن خاطره‌ای بگذارد. نقش، تصویر و یا فرمی که از زمینه خود متمایز می‌باشد، مؤثرترین عامل در بوجود آمدن یک «نشانه» می‌باشد (لینچ، ۱۳۸۵، ۱۴۴).

بیان مساله

نشانه‌های شهری ضمن خوانا نمودن شهرها نقش مهمی را در زیباسازی فضاهای شهری می‌توانند ایفا نمایند که این امر در کاربرد صحیح رنگها، نور، فرمها و مواد می‌تواند انعکاس یابد. انسانها برحسب فطرت زیاجویشان در پی زیبایی و حس مطلوب حاصل از آن می‌باشند بنابراین عدم وجود هماهنگی و تناسب که نوعی ناهنجاری و نابسامانیهای فضایی را در پی دارد می‌تواند اغتشاش ذهنی ایجاد نموده و سبب تضعیف احساس تعلق آنان و نارضایتیشان از فضاهای شهری گردد که این امر بر عدم مسوولیت‌پذیری شهروندان نسبت به حفظ این فضاها و وقوع برخی جرایم شهری منجر خواهد گردید که شاید بتوان یکی از علل مهاجرتها را در همین عدم تعلق خاطر نسبت به فضاهای شهری دانست.

چنانچه انسانها را عناصر پویا در شهرها در نظر بگیریم آنان ضمن تلاش و کوشش بی‌وقفه جهت تأمین نیازهای مادیشان در شهرها، به خصوص در شهرهای شلوغ و پر هیاهوی امروز، خواهان فضایی مطلوب و عناصری در شهرها هستند که به دسته دیگر از نیازهای آنان پاسخ دهند که همان توجه به بعد زیباشناختی شهرها می‌باشد. توجه به مباحث زیباشناختی در نشانه‌های شهری یکی از مسائلی می‌باشد که بسیار در تأمین نیاز غیرمادی شهروندان می‌تواند مؤثر واقع گردند. نشانه‌ها می‌توانند ضمن داشتن بعد کارکردی با رعایت اصول زیباشناختی در آنها قدرت تأثیرگذاری دو چندانی در شهروندان داشته و سیمای شهر را در ذهن شهروندان زیباتر سازند هرچند که ممکن است شهروندان به تک‌تک نشانه‌ها توجه نمایند اما در قالبی یکپارچه و هماهنگ می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند مثلاً در یک ترکیب، عناصری دیده می‌شود که از لحاظ رنگ و هارمونی رنگها، فرم متناسب با آنها و تناسب فضایی ارتباطی معقول و کاملاً حساب شده وجود دارد در حالیکه در ترکیبی دیگر با مجموعه‌ای روبرو هستیم که رنگها و فرمها متناسب نبوده و تناسب فضایی در آنها رعایت نگردیده است؛ حال کدام ترکیب ذهنیتی مطلوب و با دوام ایجاد می‌نماید؟ مطمئناً ترکیب اول. بنابراین صحبت از یک مجموعه یا ترکیب نمودیم چرا که یک مجموعه قدرت تأثیرگذاری بیشتری از یک عنصر فضایی به صورت واحد بر انسانها خواهد داشت به خصوص زمانی که به مباحثی چون رنگ، نور، فرم، جنس نیز و هماهنگی و تناسب آنها نیز توجه گردد که به طور کلی می‌توان بر هفت اصل در نیل به این هدف و دستیابی به کیفیت بصری مطلوب اشاره نمود که عبارت می‌باشند از، وحدت، تأکید، سادگی و نظم، تنوع، تضاد یا تباین، تناسب و مقیاس و بالاخره توالی و تکرار که بنا بر عقیده برخی متخصصان در طراحی فضاهای شهری اصل وحدت از مهم‌ترین اصول برشمرده می‌باشد زیرا این اصل سبب یکپارچگی و پیوند عناصر می‌گردد و همانطور که گفته شد قابلیت تأثیرگذاری و درک

بصری را افزایش می‌دهد همانطور که مجموعه «نقش جهان» در شهر اصفهان به سبب رعایت اصول زیباشناختی و به خصوص انسجام و وحدت میان عناصر این مجموعه از جایگاه ویژه‌ای در تعریف هویت فرهنگی، تاریخی و شهری این شهر برخوردار می‌باشد و به نوعی می‌توان آنرا «نماد» شهر اصفهان چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی دانست بنابراین در اینجا لازم به نظر می‌رسد که بر این نکته تأکید نماییم که متخصصان گذشته در امر سازماندهی فضاهای شهری با وجود کمبود امکانات و با بهره‌گیری از امکانات بومی خود را موظف می‌دانستند تا ارزشها، اصول و مفاهیم معماری و شهرسازی ایران را به نحو احسن حتی در جزئی‌ترین مسائل رعایت نمایند به طوریکه پاسخگوی نیازهای شهروندان نیز (مادی - معنوی) باشد. بدین سبب است که هنوز خیابان چهارباغ اصفهان در اذهان عمومی (پیر و جوان) از مطلوبیت برخوردار بوده و همچنان کارکرد خود را حفظ نموده و به عنوان محور اصلی شهر اصفهان شناخته می‌شود اما امروز می‌بینیم که فضاهای شهری جدید در حال دور شدن از این اصول می‌باشند و به طور قطع می‌توان گفت شهرها تنها مکانهایی گشته‌اند جهت سکونت و تأمین نیازهای مادی ساکنان آنها و حتی می‌توان از برخی از آنها به عنوان شهرهای خوابگاهی یاد کرد بنابراین چنانچه در گذشته این قابلیت را داشته‌ایم که ارائه‌دهنده سبکی در شهرسازی ایران و حتی جهان باشیم. در آینده نه تنها ارائه‌دهنده سبکی نخواهیم بود بلکه با عدم پیروی و در نظر داشتن اصول مطرح در شهرسازی ایرانی و به خصوص «سبک شهرسازی اصفهان» با فضاهایی نازیبا و بی‌هویت رو به رو خواهیم بود و جالب‌تر اینکه به بهانه توسعه و ارتقاء سطح امکانات و تأمین رفاه هرچه بیشتر شهروندان حاضر به تخریب آنچه عامل اصلی هویتی شهرها از جمله اصفهان می‌باشند هستیم همانطور که در محور چهارباغ اصفهان با قطع درختان تنومند و تخریب این محور جهت توسعه سیستم حمل و نقل شهری رو به رو گشته‌ایم و این در حالی است که طرح خیابان چهار باغ به کشورهای چون پاکستان، مغرب و حتی اروپا صادر و امروز نیز در یکی از شهرهای جدید مالزی در حال احداث می‌باشد.

بی‌توجهی به فضاهای شهری در شهرهای جدید و حتی تاریخی ایران در امر گرافیک شهری که نقش بسزایی در خلق فضاهایی خوانا و مطلوب برای شهروندان دارند نیز به خوبی دیده می‌شود و این در حالی است که مسوولین تمام تلاش خود را در جهت رفع مشکل ترافیک به خصوص در کلان شهرها، انجام می‌دهند بدون توجه به این نکته که نامناسب بودن گرافیک شهری خود می‌تواند عاملی مهم در بروز مشکلات ترافیکی شهرها باشد زیرا بکارگیری مناسب و اصولی گرافیک محیطی سبب بهبود ایمنی و جریان ترافیک خواهد گردید و این نکته را نیز نباید فراموش نمود که علائم و نشانه‌های شهری از دو بعد بایستی مورد توجه قرار گیرند زیرا همانطور که در ابتدای بحث نیز آورده شد توجه صرف به بعد کارکردی آنها و دور بودن آنها از ویژگیهای زیباشناختی و عدم مشارکت دادن شهروندان در روند بهسازی و زیباسازی فضاهای

شهری عواملی مهم در عدم رضایتمندی شهروندان از فضاهای شهری خواهند بود.

مسئله قابل طرح در اینجا این نکته خواهد بود که چگونه می‌توان کیفیت بصری فضاهای شهری را ارتقاء داد و به خوانایی این فضاها کمک نمود و در نهایت سبب جلب رضایت شهروندان از حضور در این فضاها گردید و این مسأله‌ای مهم در تقویت هویت شهری و تعلقات شهری خواهد بود که پیامدهای مثبت آن، تعلق مکانی شهروندان و احساس مسوولیت آنان در حفظ و نگهداری زیباییها، کمک به آرامش روحی و احساس امنیت در شهروندان و تأمین سلامت روحی و روانی آنان خواهد بود که بازتابهای مثبت آن را نیز در سطح زندگی اجتماعی و فردی شهروندان می‌توان دریافت. حال در شهرهای تاریخی با جذب بالای گردشگران داخلی و خارجی توجه به مسائل مذکور بیش از شهرهای دیگر نیز لازم به نظر می‌رسد و آنهم در شهری چون اصفهان که به عنوان پایتخت هنری ایران شناخته می‌شود. وجود آثار و ابنیه تاریخی ارزشمند که همچنان نقش اولیه را در تعیین هویت این شهر دارا می‌باشند به تنهایی برای تداوم هویت فرهنگی و شهری اصفهان کافی نخواهند بود و نکات دیگری نیز ضمن توجه و حفظ و حراست آنها بایستی مورد توجه مسوولین قرار گیرد از جمله نظارت هرچه بیشتر بر ساخت و سازها و ارتقاء فضاهای سبز شهری و گرافیک محیطی.

بنابراین در این پژوهش سعی گردیده تا به مطالعه «نشانه‌های شهری» و نقش آنها در زیباسازی و خوانایی فضاهای شهری به نحویکه موجبات آرامش و احساس امنیت، رضایت‌خاطر و تعلق مکانی را در شهروندان ایجاد نموده و به ارتقاء سطح کیفی فضاهای شهری و سواد بصری شهروندان بیانجامد، پرداخته شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از ابتدای قرن بیستم رشد شهرنشینی به سبب مهاجرت روستاییان به شهرها یکی از چالشهای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تبدیل گشته چرا که سبب برهم خوردن تعادل میان جمعیت شهرنشین و قابلیت شهرها در ارائه خدمات و امکانات مناسب به شهروندان شده است و مسوولین شهری را بر آن داشته تا تنها توجه خود را به بعد کارکردی فضاهای شهری جهت پاسخگویی به بخشی از نیازهای شهروندان معطوف دارند و بعد زیباشناختی و بصری آنها را که نقش مهمی در آرامش روحی و روانی شهروندان در شهرهای پرهیاهو و شلوغ امروز دارا می‌باشند به دست فراموشی سپارند که نمونه آن توجه صرف به بُعد کمی تأمین مسکن شهروندان می‌باشد که سبب گشته روز به روز شاهد تنزل سطح کیفی بناها و نمای ساختمانها به عنوان بخشی از گرافیک شهری که نقش مؤثری در خوانایی و کیفیت بصری فضاهای شهری دارند، باشیم و در نتیجه در تعیین هویت شهرهای امروز همچنان بناهای قدیمی و تاریخی مورد توجه بوده به طوریکه بعید به نظر می‌رسد که بناهای امروز هویت‌بخش شهرها در آینده باشند.

علائم و نشانه‌های شهری در صورت توجه به بُعد زیباشناختی آنها و به کارگیری آنها برحسب شرایط

اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانند در تعیین هویت شهری و تعلق مکانی شهروندان مؤثر واقع گردند به طوری که یک شهر به لحاظ برتری در گرافیک شهری از سایر شهرها متمایز گردد به عبارتی می‌توان گفت در صورت توجه ویژه به نشانه‌های شهری به خصوص در شهرهای جدید یا نو شهرها می‌توان هویتی خاص به لحاظ برتری در کاربرد علائم و نشانه‌ها به آنها بخشید. یکی از راههای کاهش جمعیت شهرهای بزرگ توجه ویژه به نو شهرها می‌باشد که در صورت توجه به اصول زیباشناختی در طراحی فضایی این شهرها و توجه به کیفیت بصری آنها می‌توانند در شکل‌گیری تعلق مکانی ساکنان این شهرها مؤثر واقع گردند زیرا در نو شهرها فضا یا مکانی که خاطره‌های جمعی و تعلقات خاص فرهنگی و معنوی برای ساکنان آنها ایجاد نماید، وجود ندارد به همین سبب ساکنان آنها از سکونت در این شهرها لذت نبرده و بعد از مدتی اقدام به مهاجرت می‌نمایند و این در حالی است که نو شهرها خود در آینده می‌توانند تبدیل به شهرهایی مطرح و برتر گردند البته در صورت برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت صحیح شهری و عدم توجه صرف به بعد کارکردی این شهرها. اما توجه به مباحث زیباشناختی شهری در کلان شهرها نیز همانقدر حائز اهمیت می‌باشد که در نو شهرها زیرا افرادی که در کلان شهرها زندگی می‌کنند بیش از ساکنان گونه‌های شهری دیگر در معرض مشکلات و تنشهای روحی و روانی قرار دارند که این امر خود می‌تواند عامل بسیاری از جرایم شهری و وقوع حوادث رانندگی و اتفاقات ناخوشایند دیگری نیز باشد که یکی از راههای کاهش این تنشها زیباسازی و بهسازی فضاهای شهری و ارتقاء کیفیت بصری این فضاها می‌باشد. علائم و نشانه‌های شهری بایستی این قابلیت را داشته باشند که ضمن خوانا نمودن شهر برای شهروندان سطح سواد بصری آنها را ارتقاء داده و حس خوشایندی را از حضور در فضاهای شهری در شهروندان ایجاد نمایند و در این صورت است که آنها به آرامش و احساس امنیت دست یافته و نسبت به شهر خود احساس تعلق مکانی کرده و خود را نیز موظف می‌دانند که در حفظ زیباییها بکوشند. مسئولین بایستی بر این نکته توجه نمایند که چرا برخی افراد اقدام به تخریب مبلمان شهری می‌کنند و نسبت به شهر خود بی‌تفاوت بوده و آماده هیچ‌گونه مشارکتی با مدیران شهری نیستند؟ دو دلیل می‌توان آورد اولاً عدم رضایت و خوشنودی از طراحی مبلمان شهری و ثانیاً عدم تعلق مکانی.

بنابراین بایستی در نظر داشت که مبلمان شهری از عناصری می‌باشند که قابلیت فراوانی جهت ساماندهی منظر شهری داشته و مدیران شهری را به اهداف سه گانه خوانایی، هویت‌بخشی و زیباسازی می‌رسانند.

اهداف تحقیق

در این پژوهش در پی دو هدف اصلی و کاربردی هستیم که اهداف کاربردی عبارتند از:

- فراهم آوردن پژوهشی که حاصل تعامل مباحث انسان‌شناسی با علومی چون معماری، شهرسازی، هنر، تاریخ، روان‌شناسی بوده و جلب نظر مدیران شهری بر ضرورت این امر در ساماندهی فضاهای شهری شهروندمدار
- ارائه اصول انسانی - زیباشناختی شهری به منظور تقویت تعلقات شهری شهروندان و ارتقاء سطح سلامت روحی - روانی آنان در شهرهای صنعتی امروز
- اهداف اصلی پژوهش نیز عبارتند از:
 - بررسی نشانه‌های مورد توجه شهروندان در توصیف و تعریف شهر محل سکونتشان
 - بررسی ویژگیها و شاخص‌های یک شهر زیبا از دیدگاه شهروندان
 - بررسی موقعیت مکانی نشانه‌ها در شکل‌گیری سیمای شهر
 - بررسی نشانه‌ها در بافت قدیم و جدید شهر اصفهان

سوالات تحقیق

- شهروندان به عنوان عناصر پویا و فعال شهری به چه نوع نشانه‌هایی در تعاریف و توصیف‌هایشان از شهر محل سکونت‌شان توجه دارند؟
- از دیدگاه شهروندان یک شهر از چه ویژگی‌هایی بایستی برخوردار بوده تا بتوان آنرا شهری «زیبا» خطاب نمود؟
- آیا موقعیت مکانی نشانه‌ها می‌تواند سبب تقویت نقش آنها در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان شود؟
- آیا تفاوتی میان نشانه‌ها در بافت قدیم و بافت جدید شهری می‌توان ملاحظه کرد. (اگر تفاوتی مشاهده می‌گردد در چه عناصری می‌باشد)

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

انسان‌شناسی شهری یکی از شاخه‌های انسان‌شناسی فرهنگی محسوب می‌گردد که از سابقه چندان طولانی نیز در ایران برخوردار نمی‌باشد بدین ترتیب منابع اندکی در این حوزه به صورت تألیف یا ترجمه در دسترس پژوهشگران و علاقمندان به این شاخه از انسان‌شناسی فرهنگی می‌باشد که تا حد امکان سعی گردیده است در این تحقیق از مجموعه این تألیفات بهره لازم برده شود که به اختصار به معرفی پرداخته می‌شود.

یکی از مهم‌ترین منابع که در حال حاضر تنها کتاب جامع در حوزه انسان‌شناسی شهری نیز می‌باشد و به زبان فارسی تألیف گردیده «انسان‌شناسی شهری» اثر ناصر فکوهی می‌باشد که در این مجموعه به ریشه-شناسی واژه «شهر» و ابعاد شناخت‌شناسی پدیده شهر پرداخته و سپس مباحث اصلی را در قالب پنج عنوان، منشاء شهر و تحول آن، نظریه‌های شهر و شهرنشینی، حوزه‌های پژوهش در انسان‌شناسی شهری، درآمدی بر انسان‌شناسی شهری و پژوهش انسان‌شناسی شهری به تفصیل آورده است و در ادامه نیز نگارنده در بخش ضمائم به ارائه چهار مقاله در حوزه معماری، شهر و مسکن و معرفی مؤسسه‌ها و نشریات معماری و شهرسازی در ایران، تشکلهای غیردولتی شهری در ایران و پایگاه‌های اینترنتی مطالعات شهری پرداخته است.

منبع قابل استفاده دیگری که بسیار در این پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفت، با توجه به اینکه چارچوب نظری تحقیق نیز براساس نظر لینچ شکل یافته، کتاب «سیمای شهر» اثر کوین لینچ می‌باشد که در سال ۱۹۶۰ منتشر گردیده و در آن به مبانی و اصول شناخت سیمای شهر در قالب پنج فصل پرداخته، بررسی سیمای محیط، مطالعه سیمای سه شهر، سیمای شهر و عوامل سازنده آن، فرم شهر از مباحث این کتاب می‌باشد همچنین اثر دیگری که لینچ، در ادامه بحث خود در سیمای شهر، منتشر نمود «تئوری شکل خوب شهر» نام گرفت که در این اثر سعی نمود به ارائه یک تئوری کلی دربارهٔ یک مجتمع زیستی مناسب و خوب پردازد و مفاهیمی چون معنی، تناسب، سرزندگی، دسترسی، نظارت و اختیار، کارآیی و عدالت را مطرح نماید. «زیباشناسی در معماری» تألیف یورگ گروتز از منابع دیگری می‌باشد که در این پژوهش مورد توجه بوده است. مؤلف به بیان مبانی ادراک در آغاز کتاب پرداخته و مباحثی را در حوزه زیباشناسی از جمله مفهوم زیباشناسی در معماری، حاصل زیبایی، تغییرات مفهوم زیبایی در طول زمان، احساس زیبایی و قابل اندازه‌گیری بودن آنرا مطرح نموده همچنین در فصلهای مجزا عناصر و مسائل مرتبط با زیبایی را مطرح کرده است عناصری چون فرم یا صورت، نور و رنگ، در فصل آخر کتاب نیز به بحث نشانه‌شناسی (سمیوتیک)، تزئین، نماد و معنای علائم پرداخته: نگارنده سعی نموده در این اثر به این سؤال پاسخ دهد که چرا ما به دنبال زیبایی هستیم و در این مورد نیز دو دیدگاه را مطرح نموده است، دیدگاه فلسفی - روانی و نظریه اطلاعات و شکل‌گیری طرح واره «هلمارفرانک».

«شهرسازی شهروندگرا» نوشته فرانسس تیبالدز و ترجمه محمد احمدی‌نژاد می‌باشد که کتاب بسیار مؤثری در توجه به شهرهای انسان محور و انسان‌گراست. تیبالدز در این پژوهش هدفش ارائه مباحثی بوده که در ساماندهی فضاهای شهری «انسان» اصل و اساس قرار گیرد. توجه به عرصه‌های عمومی و ایجاد وضوح و خوانایی در شهرها و توجه به تناسب و مقیاسهای انسانی از مواردی است که او بدانها پرداخته است.

یکی دیگر از پژوهش‌های شهری توسط سید حسین بحرینی با عنوان «تحلیل فضاهای شهری» صورت پذیرفته است که وی پس از ارائه مقدمه به بیان اهمیت مسأله، طرح مسأله، هدف مطالعه پرداخته و در ادامه به مباحث اصلی وارد شده است. وی به ارائه ضوابط و ایده‌های کلی طراحی با در نظر داشتن فضاهای مطالعاتی و نتایج حاصل از پژوهش پرداخته و در پایان نیز مسائلی را پیرامون برخی فضاهای هویت‌بخش شهر تهران عنوان و ضوابطی را جهت ساماندهی آنها بیان کرده است همچنین «فرایند طراحی شهری» اثری دیگر از این پژوهشگر می‌باشد که در آن ضمن بیان فلسفه وجودی طراحی شهری و ارائه تعاریفی از این فرایند به بیان اجزاء تشکیل‌دهنده طراحی شهری و مباحثی چون اهداف و مراحل این فرایند پرداخته و موضوعاتی چون زیباشناسی، دید و منظر، شکل شهر، تصور ذهنی از شهر را در آن مطرح نموده است.

از جمله پژوهش‌هایی که در حوزه مورد مطالعه به صورت مقالات علمی در مجلات معتبر ایران به چاپ رسیده‌اند مقاله‌ای است از مزگان احمدیه تحت عنوان «شهر، فضای سبز، زیبایی» که در فصلنامه تحلیلی - پژوهشی علوم اجتماعی با نام «جستارهای شهرسازی» به چاپ رسیده است. وی در این مقاله بر اهمیت فضاهای باز و سبز شهری جهت پاسخگویی به نیازهای روحی - روانی شهروندان تأکید نموده و به عملکرد این فضاها در محیط‌های شهری پرداخته است.

«جایگاه نشانه‌شناسی در شکل‌گیر معماری پست مدرن عوام‌گرا» عنوان مقاله‌ای است که توسط امیربانی مسعود به تحریر در آمده و در شماره بیست و سوم فصلنامه معماری و فرهنگ منتشر گردیده است که وی در این مقاله به آراء اندیشمندانی چون «جان لاک»، «ادموند هوسرل»، «لایب نیتس»، «فردینان دوسوسور» و «رولان بارت» پرداخته است همچنین مباحثی را پیرامون «نشانه‌شناسی و زبان» و «نشانه‌شناسی و معماری» مطرح نموده. در شماره نخست این فصلنامه نیز مقاله‌ای تحت عنوان «فرم، شکل و گشتالت» به قلم جهان‌شاه پاکزاد به چاپ رسیده است که نگارنده ضمن ارائه تعاریفی از فرم و محتوا در آن به بیان ویژگی‌های یک اثر هنری نیز می‌پردازد.

در فصلنامه گلستان هنر که در پاییز ۱۳۸۵ منتشر گردیده مقاله‌ای به چاپ رسیده با عنوان «خیابان چهار باغ اصفهان مفهومی نو از فضای شهری» که توسط زهرا اهری به رشته تحریر در آمده است وی در ابتدا به تعریف واژه خیابان پرداخته و سپس تبارشناسی واژه، تبارشناسی کالبدی، تبارشناسی کاربردی و در نهایت ویژگی‌های فضای شهری چهار باغ اصفهان را از لحاظ کالبدی، کارکردی، فضایی مطرح نموده و به ارائه نتیجه پژوهش پرداخته. در فصلنامه خیال فرهنگستان هنر نیز که در زمستان ۱۳۸۱ منتشر شده دو مقاله پژوهشی که با حوزه مورد مطالعه این پژوهش مرتبط بودند عبارت بودند از: «درک نشانه» که توسط کورش صفوی به تحریر در آمده و کوششی است برای تبیین چگونگی درک نشانه‌های نظام‌های نشانه-شناختی مختلف که به اعتقاد نگارنده فقط از طریق یک نظام، یعنی نظام نشانه‌شناختی زبان ممکن است

بدین ترتیب مؤلف در ابتدا به نشانه‌های زبانی و سپس الگوی ارغنون بولر که قابل تعمیم به سایر نظامهای نشانه‌شناختی نیز می‌باشد پرداخته است و مقاله دیگر این شماره از فصلنامه خیال، «جایگاه نماد در نظام اندیشه یونگ» است و توسط سیما وزیرنیا تألیف گردیده، مباحثی که وی در این مقاله بدانها پرداخته هستی، انسان، گفتگوی نمادین که در این مبحث به بیان اندیشه یونگ که معتقد است «هستی به زبان نمادین با انسان سخن می‌گوید» پرداخته و در مبحث دیگر که تحت عنوان نماد / نشانه: کلید ورود به جهان فرهنگ می‌باشد به بیان نظر و عقیده انسان‌شناسان در رابطه با نمادها و نشانه‌ها و همچنین جایگاه نماد در روان‌شناسی تحلیلی و مقایسه آراء فروید و یونگ است.

از جمله تألیفات و پژوهشهای دیگری که در حوزه مورد مطالعه مورد توجه بودند می‌توان به «اصول و مبانی رنگ‌شناسی در معماری و شهرسازی» اثری از کورش محمودی و امیر شکیبامنش، «شهرسازی و ساخت اصلی شهر» پژوهشی از محمدرضا بذرگر و «راهنمای طرح خیابانهای شهری» ترجمه و تألیف دکتر وحید بهبهانی و مهندس پیمان حامد اشاره داشت. همچنین «در جستجوی هویت شهری اصفهان» عنوان پژوهشی است که توسط مرتضی عمرانی تألیف گردیده و در سه فصل به تشریح و توصیف هویت طبیعی، هویت انسانی و هویت کالبدی شهر اصفهان پرداخته است. این پژوهش از مجموعه پژوهشهایی است که در جهت شناخت هویت شهری مراکز استانها به همت وزارت مسکن و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران به انجام رسیده است. «اصفهان و گردشگری» اثر حسن بیگ محمدی و «اصفهان مروراید ایران» اثر ویلفرد بلانت، جهانگرد انگلیسی، از مجموعه پژوهشهایی هستند که می‌توانند اطلاعات جامع و مفید در اختیار علاقمندان به شناخت پایتخت هنری ایران زمین قرار دهند.

چارچوب نظری تحقیق

کوین لینچ از جمله پژوهشگران و نظریه‌پردازانی است که در تدوین و ترویج مبانی و مفاهیم مربوط به «زیباشناسی شهری» و ادراک سیمای شهر نقش مهمی را ایفا نموده، وی بر این عقیده است که شهر مانند بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا شکل می‌گیرد با این تفاوت که مقیاسی بزرگتر دارد و تنها با گذشت زمان شکل و سیمای نهایی خود را می‌یابد. لینچ در مباحث خود به ۵ محور به عنوان محورهای اصل کیفیت یک شهر اشاره می‌نماید که عبارتند از: سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار که البته به پنج اصل دو معیار دیگر را نیز اضافه می‌نماید که شامل کارایی و عدالت می‌باشند و بدین ترتیب این هفت اصل را به عنوان اصول جامع کیفیت شهری پیشنهاد می‌نماید.

سوزندگی: لینچ در تشریح این اصل به سه خصیصه اشاره دارد که بر سلامتی، عملکرد بیولوژیکی مطلوب و بقاء مفهوم ایجاد یک محیط حیاتی و یک بستر مناسب برای زندگی نقش دارند (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۵۵). که عبارتند از: بقاء، ایمنی و سازگاری.

معنی: منظور از معنی یک سکونتگاه وضوح در درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزاء آن با سایر رویدادها و مکانها در یک تجلی منسجم ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیرفضایی و ارزشهاست

همچنین معنی به شکل فضایی و کیفیت وابسته است ولی در عین حال به فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و مقصد کنونی مشاهده‌گر نیز بستگی دارد به همین دلیل معنی یک مکان خاص برای مشاهده‌گران مختلف متفاوت خواهد بود (همان، ص ۱۶۷).

لینچ به دو عنصر معنی اشاره دارد که یکی هویت و دیگر ساختار (حس جهت‌یابی) می‌باشد که معتقد است میان معنی و هویت (شخصی و مکانی) ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و هویت را اینگونه تعریف می‌کند: «هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکانها شناخته و یا بازشناسی نماید به طوریکه شخصیتی مشخص، بی‌نظیر، یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود (همان، ص ۱۶۸). بنابراین لینچ هویت و ساختار را جنبه‌هایی در نظر می‌گیرد که امکان ادراک فضا را مهیا می‌سازد و در این رابطه کیفیاتی را نیز مطرح می‌کند که با ما در برقراری ارتباط بین شکل شهر و دیگر خصوصیات زندگی کمک می‌کند از جمله سازگاری، شفافیت و خوانایی.

تناسب: "واژه تناسب با کلماتی چون راحتی، رضایت و کارایی تقریباً در ارتباط است که این کلمات با تغییر انتظارات تغییر معنی می‌دهند (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴). بدین ترتیب می‌توان تناسب را اینگونه تعریف نمود؛ تطبیق فضاها و تجهیزات شهری با فعالیتها، رفتارها و انتظارات و خواسته‌های ساکنان شهرها.

دسترسی: منظور از این اصل امکان دسترسی شهروندان به انواع اطلاعات (خوانایی) خدمات و... به عقیده لینچ همانطور که مردم نیازمند دسترسی به خویشاوندان، کالاها، منابع و خدمات مختلف در زمینه‌های پزشکی، تفریحی، آموزشی و مذهبی می‌باشند نیازمند دسترسی به اماکن نیز هستند مانند دسترسی به مراکز و اماکن نمادین، محیط طبیعی و چشم‌اندازهای زیبا وی نیاز به دسترسی

اطلاعات را همچنین به عنوان امری مهم بر می‌شمارد و آنرا در خوانایی و وضوح فضاهای شهری به عنوان یک ضرورت مطرح می‌کند.

نظارت و اختیار: به عقیده لینچ "سکونتگاه خوب، سکونتگاهی است که در آن نظارت بر مکان مطمئن، مسئول و سازگار باشد چه برای استفاده‌کنندگان آن (فعلی، بالقوه و آینده) و چه برای ساختار مسائل مکان(همان، ص ۲۸۶).

لینچ پس از بیان این پنج محور عملکردی ارتباط میان عدالت و کارایی را با آن پنج محور مورد بحث قرار می‌دهد و از کارایی به عنوان معیاری متعادل‌کننده و از عدالت به عنوان تنها قانونی یاد می‌کند که همه گروه‌ها در مورد آن اتفاق نظر دارند و آنرا روشی می‌داند "که از طریق آن هر نوع سود و زیان بین افراد توزیع می‌شود. توزیع درست در فرهنگهای مختلف، متفاوت است. در برخی، عدالت به معنی انطباق با عرق و گذشته است(همان، ص ۲۹۴).

اما همانطور که بیان گردید در تحقق اصل «معنی» سه جنبه را لینچ مطرح می‌نماید که عبارتند از سازگاری، شفافیت و خوانایی که از آنجایی که در این پژوهش بر علائم و نشانه‌ها به عنوان عناصری مهم در خوانایی فضاهای شهری توجه گردیده است به بسط این جنبه از معنی در دیدگاه لینچ پرداخته شده است.

لینچ در ادراک سیمای شهر بر دو مفهوم اساسی تأکید دارد: نخست مفهوم خوانایی و یا وضوح بصری؛ خوانایی این است که به آسانی اجزاء شهری را بتوان شناخت و آنها را در ذهن، در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط داد(لینچ، ۱۳۸۵، ص ۱۲). به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت برخوردار بودن شهرها از ویژگی خوانایی به درک آسان عناصر شهری توسط شهروندان می‌انجامد. شهرهایی که از ویژگی خوانایی برخوردارند شهروندانشان از حضور در فضاهای شهری احساس امنیت و آرامش نموده و این خود در تحقق سرزندگی فضای شهرها می‌تواند مؤثر باشد. "تصویری نیکو از محیط، به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد. وی می‌تواند رابطه‌ای موزون بین خود و جهان خارج بوجود آورد و این درست برخلاف احساس ترسی است که بر شخص مستولی می‌شود، وقتی که راه و جهت را گم کرده باشد(همان، ص ۱۶). لینچ بر این امر تأکید دارد که وضوح یا خوانایی به هیچ روی تنها صفت یک شهر زیبا نیست، اما اگر محیط زندگی آدمیان را به مقیاس اندازه، زمان و پیچیدگی شهر، مورد ملاحظه قرار دهیم، این عامل اهمیت خاص می‌یابد. برای

درک این نکته، نباید شهر را به خودی خود در نظر بگیریم؛ بلکه آنرا به تصور و به دیده ساکنین آن بنگریم (همان، ص ۱۳).

وی همچنین معتقد است که با ارتقاء سطح کیفیت بصری فضاهای شهری می توان بر خوانایی شهرها و درک بهتر این فضاها توسط شهروندان و معنای شهر افزود.

دومین مفهومی که لینچ به آن می پردازد، مفهوم «نمایی» می باشد و آنرا اینگونه تعریف می کند: کیفیتی است در شیء که به احتمال بسیار تصویری روشن در ذهن هر ناظر بوجود می آورد» و در ادامه می گوید شهری که از نمایی (آشکاری، خوانایی و یا وضوح) کامل برخوردار باشد خوش شکل، مشخص و قابل ملاحظه می رسد. چنین شهری چشم و گوش را به توجه بیشتر دعوت می کند و افراد را به جانب خود می خواند. درک چنین محیطی توسط حواس نمی تواند صرفاً به سادگی برگزار شد بلکه گسترش می یابد و عمیق می شود (لینچ، ۱۳۸۵، ص ۲۵). لینچ بر این اعتقاد است که «شهری که از فرط بی رنگی سیمایی آشکار داشته باشد بسیار خسته کننده خواهد بود و تصور نمایی شهر الزاماً ثابت، محدود، دقیق، یکنواخت و نظام یافته نیست (همان، ص ۲۶).

به عقیده لینچ پنج عامل در شکل گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان مؤثر هستند و شهرها را خوانا می نمایند البته در صورتیکه ویژگیهایی را به لحاظ کیفی برای آنها در نظر گرفت زیرا در غیر اینصورت نه تنها کمکی به درک سیمای شهر توسط ساکنان نخواهد کرد بلکه مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهند آورد بدین ترتیب وی از آنها به عنوان مظاهر جسمی و قابل رؤیت شهر که بر نمایی شهر نیز تأثیر می گذارند صحبت می کند که عبارت هستند از: راه، لبه، محله، گره و نشانه.

نشانه ها و علائم شهری که در این مقاله به طور خاص مورد توجه می باشند از جایگاه مهمی در خوانایی و نمایی فضاهای شهری برخوردار هستند که لینچ خصیصه اصلی آنها را «بی نظیر» بودنشان می داند و معتقد است نشانه ها عواملی هستند که قادرند سبب شکل گیری خاطره ای در ذهنها گردند و تأکید دارد که چنانچه «نشانه»ها فرمی واضح داشته باشند، اگر با زمینه خود متضاد باشند و اگر محل آنها بر اطراف خود غالب و مسلط باشد. شناخت آنها با آسانی بیشتر میسر است و احتمال لیست هست که بر آن معانی متصور باشد (لینچ، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴).

وی قرار گرفتن نشانه ها در گره و همچنین وجود کنتراست را در تقویت نقش این دست از عوامل مؤثر در شکل گیری سیمای شهر بسیار مهم دانسته و اینگونه عنوان می دارد که: «اگر نشانه ای در محل تقاطع چند «راه» واقع شود بر قدرتش می افزاید. "همچنین معتقد است که هرگاه

عنصر شهری از لحاظ تاریخی قدمت داشته باشد برآزش آن به عنوان نشانه افزوده می‌گردد و نیز وجود نشانه‌های طبیعی در شهرها در تصویر ذهنی از شهروندان از شهر مؤثر می‌باشند. لینچ در کتاب تئوری شکل خوب شهر اینگونه آورده است: "محیط شهر یک وسیله ارتباطی است که هم نمادهای صریح و هم نمادهای ضمنی را در بر دارد؛ نظیر پرچمها، چمن‌ها، تقاطع‌ها، تابلوها و..." بنابراین با در نظر داشتن مباحث لینچ توجه به نشانه‌ها و علائم شهری می‌توانند در تحقق محورهای عملکردی چون دسترسی، نظارت، معنی، سرزندگی و تناسب و ارتقاء کیفیت فضاهای شهری بسیار مؤثر واقع گردیده و در شکل‌گیری شهرهای خوب تأثیرگذا باشند و در تعلق مکانی شهروندان نیز به شهر سکونتگاهیشان و هویت شهری مؤثر واقع گردند.

روش‌شناسی

در این تحقیق جهت گردآوری داده‌های پژوهش از روشهای زیر آنها بهره گرفته شده است:

در آغاز پژوهش با در نظر داشتن جوانب موضوع مورد مطالعه به انجام مطالعات کتابخانه‌ای اقدام گردید. پس از اتمام مطالعات کتابخانه‌ای با حضور در میدان تحقیق اقدام به «مشاهده مستقیم» در محدوده‌های تحت مطالعه گردید که جا دارد از این روش به عنوان مهم‌ترین روش در پژوهشهای انسان‌شناختی و به ویژه در حوزه «شهر» یاد نمود. در تعیین محدوده پژوهش ضمن بهره‌گیری از طرح جامع شهر اصفهان از دو تن از مسئولین سازمان مسکن و شهرسازی نیز کمک گرفته شد و بدین ترتیب با در نظر داشتن نقش مهم «میدان» در شهرسازی اصفهان بر دو میدان اصلی این شهر یعنی سبزه میدان و نقش جهان همچنین محور اصلی این شهر، چهارباغ، محدوده پژوهش معین گردید که شامل خیابان علامه مجلسی، خیابان ابن سینا، چهارباغ پایین، چهارباغ عباسی و چهارباغ بالا تا چهار راه شریعتی می‌باشد. بنابراین ضمن مشاهده مستقیم محدوده‌های مذکور جهت ثبت مستند با در نظر داشتن این نکته که موضوع مورد مطالعه «نشانه‌ها» بودند از «عسکبرداری» به عنوان یکی از ابزارهای مهم در تحقیقات میدانی و به خصوص در حوزه شهر و با توجه به اهمیت کیفی آن در پژوهشها و مطالعات شهری استفاده گردید. «یادداشت‌برداری» از مشاهدات نیز یکی دیگر از وسایلی بود که جهت ثبت مشاهدات از آن بهره گرفته شد. در این پژوهش از روش مصاحبه کیفی استفاده گردید که البته مصاحبه‌ها شکلی سازمان یافته نداشته و با در نظر داشتن سن و جنس مصاحبه‌شوندگان و حفظ حریم آنها سؤالات متناسب با ویژگیهای مذکور مطرح می‌گردیدند تا مصاحبه‌شوندگان بتوانند هرچه بهتر منظور مصاحبه‌گر را درک کرده و پاسخی مناسب ارائه دهند. در حین مصاحبه‌ها ضمن حفظ ارتباط از پاسخها یادداشت‌برداری می‌گردید و در برخی موارد به سبب وجود برخی شرایط خاص پس از انجام مصاحبه نکات مطرح شده از سوی مصاحبه‌شونده یادداشت می‌شدند.

تهیه کروکی از محدوده تحقیق یکی دیگر از اقدامات جهت ثبت اطلاعات و تهیه مدارک از میدان تحقیق بودند که البته به سبب عدم آشنایی محقق به ترسیم دقیق و کاملاً حساب شده و حرفه‌ای، نقشه‌ها صورت حدودی و جهت تسهیل درک محدوده تحقیق برای مخاطبان می‌باشند، همچنین نقشه‌هایی با مراجعه به اسناد رسمی تهیه گردید که به همراه کروکیها در بخش ضمیمه ارائه شده‌اند.

پس از اتمام کار میدانی به سازماندهی اطلاعات جمع‌آوری شده در طی دو دسته از مطالعات اعم از کتابخانه‌ای و میدانی اقدام گردید و عکسهای تهیه شده ویرایش گردیدند و پس از بررسی داده‌ها به تحلیل کیفی آنها پرداخته و در نهایت به سؤالات تحقیق پاسخ داده شد و نتایج حاصله ارائه گردید (به سبب آنکه موضوع مورد مطالعه و متغیرهای تحقیق جنبه کیفی داشتند تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج نیز به صورت غیرآماري ارائه شده‌اند).

به سبب حجم بالای عکسهای تهیه شده سعی گردید تا در پایان هر مبحث از مسائل مطرح شده ارجاعاتی به پیوست داده شود (طبق شماره عکسها در داخل متن) و تعدادی از عکسهای ارائه گردند که البته مابقی در سی‌دی‌های تهیه شده ارائه خواهند گردید.

یافته‌های پژوهش

فضاهای شهری، مجموعه‌هایی انسان ساختند، در جهت تبلور زندگی جمعی انسانها و پاسخگویی به نیازهای مختلف آنان که نتیجه تعامل و تفکر انسانها در جهت خلق محیط‌زیستی مطلوب و ارتقاء سطح کیفی زندگی‌شان می‌باشند. بنابراین فضاهای شهری را می‌توان آینه تمام نمای فرهنگ سازندگان آنان دانست که از میان عوامل پنجگانه لینچ (گره، راه، لبه، نشانه و محله) نشانه بیش از سایر عناصر در بازنمایی هویت‌های فرهنگی و شهری نقش ایفا می‌نماید. نشانه در کنار سایر عناصر نام برده سبب خوانایی فضاهای شهری گشته و آنها را برای شهروندان رسا، مطلوب و امن می‌سازد و احساس تعلق مکانی را در آنها بر می‌انگیزاند که با در نظر گرفتن بعد زیباشناختی و توجه به اصول آن، ضمن در نظر داشتن کارکرد، می‌توان سیمایی زیبا از شهر در ذهن شهروندان خلق نمود به طوریکه از حضور در فضاهای مختلف شهری احساس لذت و آرامش خاطر نمایند بنابراین ادراک فضایی، احساس زیبایی و احساس تعلق مکانی نیازهایی هستند که در صورت توجه به دو بعد کارکردی و زیباشناختی عوامل پنج‌گانه لینچ، به ویژه نشانه که در این مقاله به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است، به آنها پاسخ داده می‌شود و این امر نیز لازم به ذکر می‌باشد که ادراک فضایی، احساس زیبایی و احساس تعلق مکانی از هم منفک نبوده و هر یک لازم و ملزوم دیگری می‌باشند.

مظاهر زیبایی شهر و نمایانی

پیدایش احساس زیبایی بر دور کن اصلی یعنی جهان عینی از یکسو و جهان ذهنی انسان از سوی دیگر، استوار است. در واقع «زیبایی» پدیده‌ای عینی - ذهنی است که بدون هر یک از دورکن خود نمی‌تواند وجود داشته باشد از اینرو هر نوع برداشت یک جانبه از مفهوم زیبایی به گمراهی و خطا می‌انجامد و بدلیل پویایی شرایط عینی و ذهنی زندگی انسان، ادراک زیبایی نیز پدیده‌ای پویا، نسبی و تاریخی [می‌باشد] بنابراین جست و جوی زیبایی مطلق و معیارهای مطلق برای آن امری عبث و بیهوده [خواهد بود] (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

عام‌ترین و نیرومندترین جلوه‌های زیبایی را می‌توان آنهایی دانست که به انسان آسایش، شادی، توانایی و کمال هدیه می‌دهند مانند مادر، عشق، صلح و... بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان ویژگیهای زیبایی را چنین برشمرد:

- احساس زیبایی در انسان و گرایش به آن امری است فطری.

- زیبایی ماهیت انسانی، تاریخی و اجتماعی دارد و صرفاً عینی و یا ذهنی نمی‌باشد.

- مفهوم زیبایی، تعابیر و تعاریفی که از آن صورت می‌گیرد تغییرپذیر و نسبی هستند و با تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی شاخص‌های آن نیز تغییر می‌یابند.

- زیبایی سبب می‌گردد تا انسانها به هم نزدیکتر شوند (وحدت) و با روحیه‌ای شاد و به دور از یأس و ناامیدی با یکدیگر همزیستی نمایند و در مقابل نازیباییها واکنش مثبت نشان دهند تا به کمال مادی و معنوی نایل گردند.

- زیباییها قدرت تفکر و اندیشه را در انسانها بالا برده و سبب توجه انسان به عناصری می‌گردند که فراتر از زندگی مادی و این جهانی می‌باشند (هنر متعالی) حال با بیان این مقدمه و اهمیت نقش زیبایی در رسیدن انسانها به کمال مختصراً سعی می‌گردد مظاهر زیبایی شهر و نقش آنها در کیفیت فضاهای شهری به عنوان فضاهایی انسان ساخت و انسان زیست پرداخته شود.

رنگ و نور: "رنگ پدیده‌ای است که در همه جا حضور دارد و نقش بازی می‌کند. تمام ارتباطات به کمک رنگها انجام می‌گیرد و تمام دریافتهای عینی بوسیله رنگها حاصل می‌شود. در روی تابلوی راهنمایی، در باند فرودگاهها، در تقاطع جاده‌ها، در کارخانه‌ها و در خیابانها و پیاده‌روها چنین است، [همچنین] رنگها می‌توانند با سردی و گرمی خود، با تظاهر یا فروتنی خود، ایجاد تنش و یا آرامش کرده و بهر حال در فضا وزن ایجاد نمایند (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۷). رنگ از نقش بسزایی در ادراک بصری افراد از فضاهای شهری و کیفیت زیباشناختی این فضاها برخوردار می‌باشد و کاربرد صحیح آنها با در نظر داشتن ویژگیهای اقلیمی - محیطی و فرهنگی شهرها می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در هویت هر شهر داشته باشند که دکتر بحرینی آنرا

در فضاهای شهری گذشته اینگونه مطرح می‌نماید: "در فضاهای شهری رنگها از گذشته‌های دور بصورت گوناگون مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در تمدنهای مصر و ایران و سپس رم و یونان از رنگ هم به عنوان یک وسیله تزئینی در بناها و هم برای انتقال پیام‌های خاص استفاده می‌شده است. چگونگی استفاده از رنگ تحت تأثیر دو عامل عمده محیط و باورها، اعتقادات و آداب و رسوم بوده است. وجود مصالح غالب متأثر از شرایط جغرافیایی - اقلیمی، پوشش گیاهی بومی و دیگر محدودیتها و امکانات تعیین کننده محلی از یکطرف و زبان نمادین و استعاری رنگ از طرف دیگر، استفاده معنی دار و موزون رنگ را در محیطهای شهری موجب می‌شده است ... هیچ رنگی به کار گرفته نمی‌شود مگر برای انتقال پیامی و رسیدن به هدفی و روشن است که این زبان لهجه‌های محلی نیز دارد به این ترتیب که معانی و مفهوم رنگها ممکن است از دیاری به دیار دیگر متفاوت و گاهی نیز متضاد باشد و این خود هویت خاص منطقه‌ای را سبب می‌شود (همان، صص ۲۵۱-۲۵۰). بدین صورت هر شهر از شناسنامه رنگی متفاوتی از سایر شهرها برخوردار می‌گردد و بر خوانایی فضاهای شهری می‌افزاید که به طور کلی می‌توان ویژگیهای کاربرد رنگ در فضاهای شهری را در موارد زیر خلاصه نمود:

- رنگها زمینه متنوعی از تضادها (کنتراستها) را در ساعات مختلف روز پدید آورده و در هر ساعت سایه روشنهای جدیدی به وجود می‌آورند و فضا را متنوع و سرزنده می‌کنند (محمودی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۸).

- با کاربرد صحیح رنگها در فضاهای شهری می‌توان یک الگوی وحدت بخشی برای کل شهر تعیین و تعریف نمود.

- رنگها در فضاهای شهری این قابلیت را به افراد می‌دهند تا به سهولت به تفکیک فضاها پردازند و بتوانند فضاهای مختلف را از یکدیگر تمیز دهند به عبارتی می‌توان گفت رنگها برای افراد حکم «نشانه» را دارند مثلاً رنگهای فیروزه‌ای و آبی روشن در فرهنگ ایرانی نشانه بناهای مذهبی و مقدس می‌باشند.

- رنگها در شهر به افراد در تشخیص اوقات مختلف، وقایع و مراسم کمک می‌نمایند مثلاً رنگ پارچه نوشته‌ها که به سبب مناسبتهای مختلف در معابر نصب می‌گردند.

- جهت‌یابی افراد در شرایط نامساعد جوی با رنگ تقویت می‌گردد.

و در ادامه بایستی گفت که سیمای رنگی یک شهر توسط عناصر زیر تأمین می‌گردد:

- نمای ساختمانها

- باجه‌ها (ایستگاه اتوبوس، فروش بلیط، تلفن، پلیس و ...)

- نورآرایی معابر، فضاهای سبز و آب نماها در شب

- تبلیغات (دیواری، پلاکاردها و ...)

- فضاهای سبز (ترکیب گیاهان متناسب با فضا)

- علائم راهنمایی و رانندگی

- پوشش افراد

نور: به عنوان یکی دیگر از مظاهر زیبایی و نمایانی فضاهای شهری به دو بخش قابل تقسیم می‌باشد، نوروز و نور شب که می‌توان گفت رنگها نیز با وجود نور معنا می‌یابند. نور در شب از کاربرد قابل توجهی برخوردار است از جمله تأمین حس آرامش و امنیت شهروندان و نمایش شادی و شمع در اعیاد ملی و یا مذهبی که بدین ترتیب سبب ارتقاء کیفیت فضاهای شهری نیز می‌گردند. کاربرد صحیح نور در شب می‌تواند ذهنیتی زیبا از شهر در ذهن شهروندان خلق نماید به طور مثال قرارگیری نور چراغها بطور منظم در امتداد یک محور، خصوصاً هنگامیکه در کنار آب باشد تصویر زیبایی از آن بخش شهر ارائه می‌دهد همچنین نمایان کردن بناها و آثار ارزشمند تاریخی با نور مناسب در شب و همینطور عناصر اصلی شهر می‌تواند تصویر کلی مفیدی از کل شهر در اختیار بیننده قرار دهد (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲). در کاربرد نور بایستی به کاربری فضاها توجه گردد تا نوری مناسب با آنها تأمین گردد مثلاً "نور مخصوص معابر پیاده از نظر شدت، اندازه و نوع چراغها با معابر سواره متفاوت است [که] کلید ایجاد یک محیط نظام‌یافته در خیابان، استفاده از یک سیستم روشنایی معقول جهت پاسخگویی به نیازهای مربوطه است. در مراکز شهری معمولاً چنین سیستمی باید دو عملکرد عمده را پاسخگو باشد: یکی تأمین روشنایی مطمئن برای خیابانها و دیگری راحتی و جذابیت جهت پیاده‌روها (همان، ص ۲۳۳).

فرم: تعریف زیباشناختی فرم عبارت است از "نظا هر حسی و واضح یک پدیده که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۷۸، ص ۱۵). که میزان موفقیت زیباشناختی تابعی از میزان موفقیت فرم در انتقال محتوا می‌باشد و عوامل مختلفی نیز در پدید آمدن آن می‌توانند دخالت داشته باشند؛ عواملی چون فرهنگ (مذهب و اعتقادات دینی، ارزشها و ...) ویژگیهای اجتماعی و مدنی، ویژگیهای اقلیمی و شرایط سیاسی حاکم در جامعه. توجه به هماهنگی رنگ و فرم نیز از عوامل مهم در تقویت تأثیرگذاری هر یک و انتقال بهتر محتوا به افراد می‌باشد، انتخاب فرمها در فضاهای شهری بایستی به تناسب فضا و مخاطبان آن فضاها صورت گیرد و اندازه فرم و میزان تأثیرگذاری آن بر افراد را نباید نادیده گرفت زمانیکه از فرمی در گره اصلی شهر بهره گرفته می‌شود که نسبت به فضا از ابعادی کوچک برخوردار می‌باشد قدرت اثرگذاری آن کاهش یافته و بالعکس چنانچه در میدانی با شعاع کم از فرم بزرگ جهت زیباسازی فضا استفاده گردد نه تنها تأثیر مطلوب بر ذهن شهروندان نخواهد داشت بلکه ذهن آنها را مغشوش می‌نماید مانند قرار دادن مجسمه یادبودی با ابعاد بزرگ در میدانی با شعاع کم که عدم توجه به این نکات سبب تنزل کیفیت بصری فضاهای شهری خواهد گردید.

مواد و مصالح: نوع مصالح و موادی که در زیباسازی فضاهای شهری به کار گرفته می‌شوند می‌توانند در کنار عوامل دیگری که ذکر آنها رفت در تقویت خوانایی و نمایانی فضاهای شهری از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و در تعیین هویت شهری نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا نمایند. بهره‌گیری از مصالح بومی در نمای ساختمانها و تجهیزات شهری موجب می‌گردد تا فضاهای شهری در شهرهای مختلف یکدست و مشابه نبوده و هر شهر از ویژگیهای منحصر به فردی برخوردار گردد بنابراین مواد و مصالح ضمن ویژگیهای فنی‌شان می‌توانند واجد معانی و ویژگیهای نمادین نیز باشند که نبایستی تنها به بعد تزئینی آنها توجه نمود، امری که امروز در اکثر شهرهای ایران مشهود بوده و مواد و مصالح تنها عناصری شده‌اند جهت تزئین؛ بدون تأثیرپذیری از اقلیم و ویژگیهای فرهنگی، بدین سبب دیگر اثری از معماری بومی و ویژگیهای آن که شهرها را نیز از یکدیگر متمایز می‌ساخت دیده نمی‌شود.

نشانه‌ها و نقش آن‌ها در خوانایی، نمایانی و تعلق مکانی

همانطور که در بخش نخست این نوشتار آورده شد، نشانه‌ها از عوامل مهم و تأثیرگذار بر ادراک سیمای شهر و تشخیص فضاهای مختلف شهری هستند که از جوانب مختلف قابل تحلیل و بررسی می‌باشند از جمله به لحاظ ویژگیهای زیباشناختی و نمادین و نقش قابل ملاحظه آنها در ارتقاء سطح کیفی محیطهای شهری و در نهایت احساس دل‌بستگی و تعلق شهروندان نسبت به محیط زندگیشان. به طور کلی می‌توان سه دسته نشانه در فضاهای شهری در نظر گرفت که عبارتند از: نشانه‌های گرافیکی، نشانه‌های نمادین و نشانه‌های طبیعی.

نشانه‌های گرافیکی: زمانیکه یک ساختار گرافیکی در ارتباط مستقیم با اقصاء مختلف یک جامعه شهری قرار گیرد و هدف آن ایجاد یک فضای زندگی مساعد، دلپذیر و هماهنگ ساختن با سن، فرهنگ و خلق و خوی افراد آن جامعه باشد از آن به عنوان گرافیک محیطی یاد می‌شود که چنانچه در طراحی عناصر تشکیل‌دهنده گرافیک محیطی به ویژگیهای زیباشناختی با توجه به فرهنگ حاکم در هر شهر توجه نگردد محیط شهری برای شهروندان به فضایی غیرقابل تحمل و متشنج تبدیل خواهد گردید چرا که با ایجاد مجموعه‌ای متناسب از نظر شکل و رنگ می‌توان زمینه‌های رضایت خاطر شهروندان و احساس تعلق آنان را به محیط زندگی اجتماعیشان فراهم آورد بنابراین نشانه‌های گرافیکی سه هدف را دنبال می‌کنند:

- راهنمایی مردم به ساده‌ترین شکل (خوانا نمودن شهر)
- زیباسازی از طریق به کارگیری اصولی فرم، رنگ و سایر مظاهر زیبایی شهر، که در مبحث قبل به آنها پرداخته شد، با در نظر داشتن تناسبات انسانی و فضایی
- افزایش سطح آگاهی شهروندان با به کارگیری صحیح و اصولی بیلبردهای تبلیغاتی اعم از فرهنگی، تجاری و با بهره‌گیری از پلاکاردها، نقاشی‌ها و نوشته‌های دیواری (اطلاع‌رسانی محیطی)

گرافیک شهری از دو بعد، کارکردی و بصری، مورد توجه قرار می‌گیرند که بعد کارکردی عناصر بیشتر با جسم شهروندان و بعد بصری و زیباشناختی آن با روح و روان شهروندان در ارتباط می‌باشند بدین ترتیب محیطی می‌تواند زیبا و دلنشین باشد که انسان در آن هم به لحاظ جسمانی و هم از لحاظ روانی احساس آرامش و رضایت خاطر نماید.

نشانه‌های نمادین: این نوع از نشانه‌های شهری بیشتر از سایر نشانه‌ها در هویت شهر مؤثر می‌باشند زیرا معمولاً بیانگر تاریخ، فرهنگ و ارزشهای یک جامعه هستند و میان اعضای آن نوعی اشتراک ذهنی در پیوند با گذشته ایجاد می‌نمایند به عقیده لوفبور "آثار جاویدان و فضاهای یادمانی در یک اجتماع از جوانب مختلف سبب خوانایی و تأثیرگذاری بر شهروندان بوده و شهروندان از آنها به عنوان نشانه استفاده می‌کنند (DEAR, p 252). و این نظریه پیرس پیرامون نشانه که بیان می‌دارد نشانه‌ها به عنوان چیزهایی که هستند واجد اهمیت نبوده بلکه به عنوان ما به ازای چیزهایی که به ارجاع دارند و معانی را در ذهن ایجاد می‌نمایند واجد اهمیت می‌گردند در مورد نشانه‌های نمادین بیشتر از سایر نشانه‌ها مصداق خواهد داشت. نشانه‌های نمادین به طور معمول از ویژگی فولکلوریک برخوردار بوده و تغییر و تحولات در آنها به آهستگی و ندرتاً اتفاق می‌افتد به همین جهت دوام و بقاء آنها سبب می‌گردد تا افراد از آنها در جهت یابی و شناسایی فضاها بیشتر کمک گیرند و سیمای شهر را براساس آنها در ذهن خود شکل دهند همانطور که لینچ در تعریف نشانه می‌گوید: "عاملی که منحصر به فرد باشد و در ذهن خاطره‌ای بگذارد (لینچ، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴).

نشانه‌های طبیعی: یکی دیگر از انواع نشانه‌ها "نشانه‌های طبیعی" می‌باشند که شامل فضاهای سبز، رودخانه، کوه و ... می‌گردند و به عقیده لینچ به سبب اهمیتی که انسانها برای عناصر طبیعی قائل هستند آنها می‌توانند در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان و احساس تعلق مکانی نقش مهمی را ایفا نمایند. در شهرهای صنعتی امروز که شهروندان از فرصت کمتری جهت گذران اوقات فراغت خود در فضاهای طبیعی برخوردارند توجه به نشانه‌های طبیعی در ساماندهی فضاهای شهری می‌تواند ضمن ارتقاء سطح کیفی فضاهای شهری سبب شادابی و سرزندگی شهروندان گشته و احساس مطلوب از حضور در شهر را در آنها ایجاد نماید.

مطالعه نشانه‌ها در شهر فرهنگی - تاریخی اصفهان

شهر اصفهان، شهر تاریخ‌ساز ایران و بستر تعالی و تلاقی ایمان، دانش، فرهنگ و هنر اسلامی - ایرانی می‌باشد به طوریکه از آن به عنوان پایتخت فرهنگی - هنری ایران یاد می‌گردد. مورخین، باستان‌شناسان و ایران‌شناسان خارجی اصفهان را در ردیف شهرهای مهم دوره اول تاریخی دنیا مانند پکن، و نیز، رم و فلورانس معرفی نموده‌اند و این شهر به جهت اهمیت تاریخی و مذهبی و نقش آن در تولید علم، دانش و مکاتب بزرگ عرفانی و فلسفی به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم نشر اسلام، ستاره جهان اسلام لقب گرفته

است و بدین سبب نیز در چهارمین کنفرانس وزاری فرهنگ کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۶ میلادی به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام به مدت یکسال برگزیده شد و این امر نشان از نقش آفرینی این شهر در فرهنگ و تمدن پر بار اسلامی - ایرانی دارد. در سطح جهانی نیز شهر اصفهان با شهرهای تاریخی دنیا چون سن پترزبورگ (روسیه)، فرایبورگ (آلمان)، ایروان (ارمنستان)، یاش (رومانی)، فلورانس (ایتالیا)، بارسلونا (اسپانیا)، شیان (چین) هاوانا (کوبا) قرارداد خواهرخواندگی منعقد نموده که براساس آن شهرهای مذکور به علت زمینه‌های تاریخی - فرهنگی مشترکی که دارند در راستای حفظ آثار با ارزش فرهنگی و هنریشان از طریق تبادل هیأت‌های فرهنگی و هنریشان از طریق تبادل هیأت‌های فرهنگی، همکاری‌های کارشناسی فرهنگی و هنری و تبادل توریسم با یکدیگر همکاری می‌نمایند.

نشانه‌های نمادین و طبیعی در شهر اصفهان

- رودخانه زاینده‌رود که یکی از بزرگترین رودخانه‌های فلات مرکزی ایران می‌باشد از ارتفاعات زردکوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسیری در حدود ۳۶۰ کیلومتر از مغرب به مشرق دشتها و زمینهای زراعی اصفهان را آبیاری و در نهایت به باتلاق گاوخونی که در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان واقع شده می‌ریزد. در طول زمان اسامی مختلفی به این رودخانه اطلاق گردیده چون زنده‌رود، زندرود، زرن‌رود، زرینه‌رود، زرن‌رود و زندک‌رود که این اسامی و تعداد آنها اهمیت و ارزش این رودخانه را در طول تاریخ به سبب خشک و کم آب نمودن منطقه نشان می‌دهد و آنرا دلیل زنده بودن اصفهان در ادوار تاریخی، مهم‌ترین شاخص هویتی شهر اصفهان و قوی‌ترین عامل در خوانایی و نمایانی شهر می‌توان دانست که پلهای ساخته شده بر روی آن که هر کدام بیانگر بخشی از فرهنگ و تاریخ این شهر می‌باشند به عنوان عامل تقویت‌کننده این عنصر نمادین - طبیعی عمل می‌کنند.

از زیباترین و با شکوهترین پلهای زاینده‌رود می‌توان به پل "الله وردیخان" و پل "خواجو" اشاره نمود که همواره نشانه و نمادی از عظمت، برکت و پویندگی شهر اصفهان بوده‌اند. پل "الله وردیخان" که به "سی و سه چشمه" مشهور است از آثار دوره صفویه می‌باشد، علت نامگذاری آن به "الله وردیخان" اتمام ساخت آن توسط یکی از سرداران شاه عباس به نام الله وردیخان است. این پل آجری ۳۰۰ متر طول و ۱۴ متر عرض دارد که بلندترین پل زاینده‌رود می‌باشد و در دوره صفویه جشنهایی چون جشن "آبریزان یا آب‌پاشان"^۴ در کنار آن برگزار می‌گردیده است. "این پل با اسامی دیگر چون پل جلفا، شاه عباسی، چهل چشمه و سی و سه چشمه شناخته می‌شود که وجه تسمیه پل شاه عباسی آن بوده که شاه عباس اول دستور ساخت بنای پل را داده است. همچنین از لحاظ اینکه راه ارتباطی مردم با جلفا بوده آنرا پل جلفا هم گفته‌اند و چون در ابتدا چهل چشمه داشته پل چهل چشمه خوانده شده و اکنون که سی و سه چشمه دارد به

۵- از جشنهای کهن ایرانیان می‌باشد که در تیر ماه برگزار می‌شود و در زمره جشنهای آب ایرانیان به حساب می‌آید.

پل سی و سه چشمه اشتهار دارد (عمرانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۶). این پل که به عنوان محور اصلی - طبیعی شهر اصفهان مطرح است به جهت ویژگی ارتباطی و نقش تاریخی و سمبلیک آن همواره مراسمهای مختلفی در کنار آن برگزار می گردیده که این روند همچنان نیز ادامه دارد و چراغانی ها و نورپردازیهای زیبا در شب جلوه آنرا دو چندان می کنند و در ذهن شهروندان و حتی افراد غیر بومی تصویری زیبا خلق می کند مثلاً در اسناد مکتوب آورده اند که در جشن نوروز در زمان صفویان که از سه تا هفت شبانه روز بوده این پل را آذین بندی می کرده اند و بر روی پل مراسم گلریزان برگزار می نمودند و امروز نیز در اعیاد بزرگ مسلمانان چون عید مبعث، عید قربان، عید غدیر و میلاد صاحب الزمان (عج) و سایر ائمه (ع) اقداماتی جهت زیباسازی و آذین بندی این محدوده صورت می گیرد. در ایام نوروز و فصل تابستان به سبب حضور مسافرین، در این شهر توریستی، پل و حاشیه آن مملو از جمعیت بازدید کننده از پیر و جوان و خردسال می باشد که فضای سبز اطراف نیز سبب تقویت نقش تفرجگاهی آن می گردد.

یکی دیگر از پلهای شاخص و نمادین شهر تاریخی اصفهان، پل "خواجو" می باشد که به دستور شاه عباس دوم بر روی رودخانه زاینده رود بنا گردیده است که طول این پل ۱۳۲ متر و عرض آن ۱۲ متر و ساختمان آن از سنگ و آجر می باشد. این پل از لحاظ هنر معماری و تزئین بسیار زیبا و قابل توجه می باشد که آنرا شکل تکامل یافته سی و سه پل می دانند، "در وسط این پل، برای اقامت موقت شاه صفوی و خانواده او ساختمان مخصوصی که به بیگلر بیگی شهرت دارد بنا شد که هنوز هم وجود دارد و طاقهای آن دارای تزئینات نقاشی است. "خواجو" تحریف کلمه "خواجه" است که لقب بزرگ عصر صفوی بوده است (عمرانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۷). این پل به علت تزئینات کاشیکاری در شمار آثار برجسته هنری، تاریخی و فرهنگی اصفهان محسوب می گردد. بدین ترتیب پل خواجو از زمره ابنیه ای می باشد که به عنوان نشانه ای نمادین سبب تقویت خوانایی شهر به خصوص بخش مرکزی آن می گردد و فضای سبز اطراف رودخانه، که به صورت خطی می باشد، نقش آنرا تکمیل می کند.

پلهای تاریخی دیگری نیز در شهر اصفهان وجود دارند که می توان به پل "جوئی" که در تداول مردم اصفهان "چوبی" گفته می شود و پل "مارنان" که در اصل "ماربین" یا "مهربین" اوستایی بوده، اشاره نموده که آنرا پل «سرفراز» نیز می گویند که براساس مطالعات انجام گرفته تنها دو پل خواجو و الله وردیخان مورد توجه شهروندان در توصیف شهر اصفهان و احساس تعلق و دلبستگی آنها به این شهر بوده (لازم به ذکر می باشد شهروندان از تاریخ و ویژگی های این دو پل اطلاعات مناسبی نداشته و تنها بر منحصر به فرد بودن آنها تأکید می نمودند)

- میدان نقش جهان: میدان همواره از جایگاه مهمی در شکل‌دهی و ساماندهی به ساختار و عناصر فضایی شهر اصفهان برخوردار بوده است به طوری‌که عناصر اصلی شهر در هر دوره از تاریخ این شهر پیرامون «میدان» شکل یافته‌اند (الگوی هسته‌ای).

«میدان کهنه» که امروز در نزد شهروندان با نام «سبزه میدان» شناخته می‌گردد از زمان ورود اسلام به سرزمین ایران و شهر اصفهان همواره به عنوان یک حلقه ارتباطی میان فضاهایی با کاربریهای مختلف عمل نموده که سبب تمرکز عناصر اساسی ساخت شهر چون بناهای حکومتی، بازار، مسجد و محلات مسکونی، انسجام و پیوستگی میان این عناصر و سایر عناصر در قالب مجموعه‌ای بوده است. با انتخاب شهر اصفهان به پایتختی صفویان (شاه عباس) این عنصر فضایی (میدان) بیشتر از دوران گذشته مورد توجه قرار گرفت و در این دوران به سبب عدم پاسخگویی، «میدان کهنه» به نیازهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدید، مرکزی نو جهت استقرار عناصر جدید حکومتی و تحکیم موقعیت دولت صفوی ایجاد گردید که این امر سبب تغییر ساختار شهر نیز شد (شهر از ساختار خطی - هسته‌ای برخوردار می‌شود که دو هسته اصلی آن میدان کهنه و میدان نقش جهان بواسطه عنصر خطی بازار به هم مرتبط می‌گردند). قبل از انتخاب شهر اصفهان به پایتختی شاه عباس صفوی و احداث میدان نقش جهان، در محل هسته جدید شهر صفوی باغ وسیعی به نام نقش جهان وجود داشته است که این امر به تقویت نقش هسته‌ای این مرکز جدید به سبب احداث بناهایی با شکوه و عظیم، که هم به نیازهای مادی و هم نیازهای غیرمادی پاسخ می‌دادند، کمک نمود.

در زمان شاه عباس «میدان نقش جهان» محل بازی چوگان، انجام مسابقات تیراندازی، اسب‌دوانی و دو میدانی بوده است. میدان روزها محل تجمع دستفروشان مایحتاج عمومی و گشت و گذار عوام و محل داد و ستد کالا بوده و در شب نیز به محل نمایش‌هایی چون شعبده‌بازی، خیمه‌شب‌بازی، بندبازی و قصه-پردازی تبدیل می‌شده است. "رستورانهای آبرومند برای آنها که فقط غذا می‌خواستند نه شراب و دیگر لذایذ [نیز در میدان] موجود بود و هم چایخانه‌های آبرومند که در آنجا یا به شطرنج سرگرم بودند یا به بازی دیگری که تریک تریک صدا می‌کرد [همچنین] در غرفه‌های نزدیک بازار قهوه‌خانه‌هایی دایر بودند که از ساعت ۷ یا ۸ صبح از جماعت قهوه نوشان و قلیان کشان انباشته می‌شدند. مهمانان دایره‌وار گرداگرد ظرف بزرگ آبی که برای شستن نی قلیانهای بدبو تعبیه شده بود، می‌نشستند. عباس کبیر چون دریافت قهوه‌خانه‌ها جایگاه رشد دسیسه‌های سیاسی است، [دستور داد] تا ملایی پیوسته مراقب این قهوه‌نوشان و قلیان‌کشان باشد [و] با ایراد سخنرانی پیرامون تاریخ و شعر و شریعت سرگرمشان کند (بلانت، ۱۳۸۳، ص ۶۳). همچنین بنابر اسناد مکتوب در این عصر (صفویه) در کناره‌های این میدان نهر آبی به عرض ۳ متر و عمق ۲ متر جریان داشته و در اطراف آن درختهای چنار بوده که بر رهگذران سایه می‌افکنده‌اند.

اطراف میدان را غرفه‌هایی دو طبقه و دو اشکوبه احاطه نموده و مسجد جامع عباسی، مسجد شیخ لطف‌الله، عمارت عالی‌قاپو، بازار قیصریه که به ترتیب در ضلع جنوبی، شرقی، غربی و شمالی میدان احداث گردیده‌اند از بناهای اصلی میدان بوده که نیازهای مذهبی، سیاسی، اقتصادی آن زمان را در قالب مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه پاسخگو بوده‌اند و امروز نیز با گذشت سالیانی دراز از احداث این مجموعه همچنان ساختار فیزیکی خود را حفظ نموده و از گردشگاههای پر جاذبه اصفهان محسوب می‌گردد که بسیاری نیز شهر اصفهان را با این مجموعه می‌شناسند و آنرا نماد شهر اصفهان می‌دانند. امروز غرفه‌های واقع در میدان نقش جهان، که در زمان صفویه به داد و ستد و تجارت اختصاص داشتند، مکانی جهت عرضه صنایع دستی اصفهان از جمله تابلوهای خاتم کاری و البسه قلمکاری شده و آثاری با ارزش از نقره و فیروزه گردیده است. همچنین برخی مراسمها و جشنهای ملی - مذهبی در این فضای با شکوه و تاریخی که سمبل مذهب و فرهنگ ایران زمین می‌باشد، برگزار می‌گردد. در ایام تعطیل و به ویژه در فصل تابستان و ایام نوروز میدان مملو از جمعیت مشتاق هنر و تاریخ ایران می‌باشد اما در فصلهای پاییز و زمستان جمعیت قلیلی در میدان دیده می‌شود که به گفته کسبه تنها صدایی که به گوش می‌رسد صدای چکش هنرمندان مس کار و قملزن می‌باشد. امروز جهت زیباسازی میدان از چمن، گل‌های مختلف و رنگارنگ و نیز آب نماهایی در وسط میدان استفاده گردیده و کالسکه‌ها نیز جلوه خاص به میدان بخشیده‌اند.

بنابراین دو میدان اصلی شهر اصفهان، که همچنان نیز در گسترش شهر اصفهان مورد توجه سیاستگذاران و مدیران شهری می‌باشند (به ویژه میدان نقش جهان)، به سبب ویژگیهای تاریخی و وجود بناهای ارزشمند حول این دو عنصر کلیدی در محور تاریخی شهر اصفهان در ذهن شهروندان از جایگاه قابل توجهی برخوردار می‌باشند.

نمای ساختمانها و معماری: زمانی معماری بومی شناسنامه معتبری از یک سرزمین و نمایانگر آداب و رسوم، روحیات و احساسات، اندیشه، عقاید، ذوق و سلیقه و هنر مردم یک منطقه بود و در شکل‌گیری آن برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی ماهرانه انعکاس می‌یافتند و ویژگی اصلی آنها بدیهه‌سازی بدون پیروی از سبک یا فرم خاصی بود و قابلیت پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسانها را دارا بود و به شدت نیز تحت تأثیر اقلیم و شرایط محیطی قرار داشتند

مبلمان شهری: براساس تعاریف ارائه شده توسط کارشناسان در حوزه شهر، حیطه گسترده‌ای از عناصر طراحی شده و موجود در یک شهر از خط‌کشی خیابان گرفته تا ایستگاه‌های اتوبوس و سطلهای مخصوص زباله همه در دایره تعریف مبلمان شهری جای می‌گیرند که در صورت رعایت اصول زیباشناختی و توجه به ویژگیهای اقلیمی - محیطی در طراحی این دست از نشانه‌های شهری آنها می‌توانند در ارتقاء کیفیت بصری

فضاهای شهری، خوانایی و رضایت خاطر شهروندان از محیط شهرشان مؤثر عمل نمایند، توجه به ویژگیهای هر منطقه در کاربرد مبلمان شهری نیز می‌تواند در تقویت هویت‌های شهری نقش بسزایی را ایفا نماید.

بیلبوردها، پلاکاردها، دیوار نوشته‌ها و پوسترها: این دسته از نشانه‌های گرافیکی که در دایره مبلمان شهری جای می‌گیرند نقش مهمی در بالا بردن سطح شناخت و آگاهی شهروندان دارا می‌باشند البته به شرط آنکه از ویژگیها و کیفیتهای لازم جهت تأثیرگذاری مثبت بر شهروندان برخوردار باشند مانند به کارگیری صحیح رنگها، فرمها و مواد متناسب با ویژگیهای فرهنگی و محیطی هر جامعه. امروز بیلبوردها، پلاکاردها و ... به عنوان نوع خاصی از شیوه‌های ارتباطی در فضاهای شهری مطرح می‌باشند و حضور آنها در شهرها به خصوص کلان شهرها امری اجتناب‌ناپذیر گردیده است اما نکته قابل توجه با در نظر داشتن کارکرد ارتباطی این دسته از نشانه‌ها توجه به بعد محتوایی آنها جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری شهروندان است بنابراین با کمک هنر گرافیک می‌توان شهر را برای شهروندان مطلوب‌تر ساخت و اخلاق و منش شهروندی را نیز ارتقاء بخشید. شهر اصفهان از این دسته از نشانه‌های شهری در جهت تقویت اعتقادات دینی و ارتقاء اخلاق شهروندی بسیار مدد گرفته است زیرا، بویژه در محور تاریخی این شهر، محتوای این دسته از نشانه‌ها را پیامهای دینی و اخلاقی شامل می‌گردند به طوریکه سراسر خیابان چهار باغ با فاصله‌های کم تابلوهایی نصب گردیده که بر روی آنها چنین جملاتی نوشته شده است: خدایا مرا با یاد خودت مشغول کن، دعا عروج از خاک به سوی افلاک است، دل آباد بهترین آبادیهاست، دنیا پر از نشانه‌های کوچک و بزرگ است.

پلاکاردها که بیشتر در تقاطع خیابان‌ها نصب گردیده‌اند دارای محتوای خبری بوده که البته در بعضی جاها تعدد پلاکاردها سبب آلودگی بصری می‌گردند و نه تنها تأثیر مطلوب بر شهروندان نمی‌گذارند بلکه سبب اغتشاش فکری آنان می‌شوند به خصوص زمانیکه با مجموعه‌ای از نشانه‌های دیگر چون علائم راهنمایی و رانندگی، تابلوها و بیلبوردهای تبلیغاتی همراه شوند.

نصب مانیتورهای با ابعاد بزرگ، که چندان تناسبی با فضاها ندارند همانطور که در حاشیه رودخانه زاینده‌رود و دروازه دولت (کاخ شهرداری) نصب شده‌اند، نه تنها به زیباسازی شهر کمکی نمی‌نمایند بلکه سبب بروز پاره‌ای مشکلات ترافیکی نیز می‌شوند و حتی کیفیت فضایی را به زیر سؤال می‌برند.

تابلوهای مغازه‌ها نیز نقش مهمی در زیباسازی فضاهای شهری و خوانایی آنها بازی می‌کنند که البته نقش آنها در شب پررنگ‌تر می‌گردد که در مورد بافت قدیم و جدید اصفهان در به کارگیری تابلوها تفاوت فاحشی مشاهده می‌گردد.

اختصاص دادن فضاهایی در گذر پیاده‌روها جهت اطلاع‌رسانی و چسباندن پوسترهای تبلیغاتی و انواع اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها را نیز می‌توانیم به عنوان نشانه‌های گرافیکی در شهرها مورد توجه قرار دهیم که در

شهر اصفهان کاربرد چنین فضاهایی سبب پاکیزگی دیوارهای معابر گردیده که خود نقش مهمی در پاکیزگی شهر داشته است بدین ترتیب استفاده صحیح از فضاهای تبلیغاتی در پیاده‌روها سبب پاکیزه ماندن دیوارها و بخشهای دیگر شهر می‌گردد که در بسیاری از شهرها به سبب نبود چنین فضاهایی اطلاعیه‌ها، اعلامیه‌ها و پوسترها بر روی دیوارهای معابر نصب می‌شوند که این امر چهره‌ای نازیبا به شهر می‌بخشد به خصوص در زمانهایی که تبلیغات انتخاباتی صورت می‌گیرد.

ایستگاه اتوبوس: وجود ایستگاههای اتوبوس امری واجب و ضروری در شهرها جهت تأمین رفاه و رضایت شهروندان می‌باشد که ضمن توجه به بعد کارکردی آنها بایستی از لحاظ زیباشناختی نیز مورد توجه مدیران شهری واقع گردند، در بسیاری شهرها تنها جنبه کارکردی ایستگاهها مدنظر قرار می‌گیرند و به بعد زیباشناختی توجه چندانی صورت نمی‌گیرد غافل از اینکه طراحی مناسب این بخش از مبلمان شهری که به عنوان نشانه‌های گرافیکی نیز مطرح می‌باشند نقش مهمی را در خوانایی و بالا بردن کیفیت بصری شهر ایفا می‌نمایند. ایستگاهها در صورت داشتن طراحی، رنگ و موقعیت مطلوب می‌توانند مدت زمان انتظار مسافران شهری را لذت بخش و کوتاه نموده که این امر سبب رضایت آنان از شهرشان می‌گردد.

نیمکتها و سطوح زباله در فضاهای شهری: "موقعیت فضاهای شهری و میزان کارایی آنها بستگی مستقیم به کیفیت آن فضاها دارد و این امر نیز تابع امکانات و تجهیزاتی است که در آن فضاها تعبیه شده است. این تجهیزات باید در جهت نقش و عملکرد فضا بوده و استفاده از آنها تسهیل، راحت و بی‌خطر گرداند [بدین ترتیب] هرگونه فعالیتی که در فضاهای شهری موردنظر باشد، راحتی در آن باید مد نظر قرار گیرد و گاهی رهایی از نور زیاد خورشید و زمانی دیگر دسترسی به آن ممکن است جز اهداف راحتی فضا باشد. با استفاده از درخت، سایبان و کلوناد می‌توان فضاهای مناسبتری در مقابل نور خورشید آفتاب و باد و باران ایجاد کرد. عامل دیگر ایجاد فضاهای نشستن برای استراحت موقت می‌باشد که در راحتی استفاده-کنندگان از فضاها مؤثر است. جهت و مکان نیمکتها و انواع نیمکتها با کاربردهای مختلف، دید و خصوصیتی از این قبیل باید در بررسی محل نشستن در فضاهای عمومی مورد توجه قرار گیرد. از نظر تأمین آسایش دوری این اماکن از رفت و آمد وسایل نقلیه موتوری ضرورت دارد (بلانت، ۱۳۸۳، ص ۶۳).

علائم راهنمای شهری: "در کانون زیستی پیش از انقلاب صنعتی تابلوی کنترل کیفیت، علائم شناسایی، چراغ راهنمایی و مراکز اطلاعاتی وجود نداشت مردم یکدیگر را می‌شناختند، قواعد زندگی روشن بود و شکل محیط تجلی کالبدی آن قواعد بود. تنها تازه واردین بودند که ممکن بود سرگردان شوند. امروز ما در شهرهای خود بیگانه‌ایم، نمی‌دانیم و نمی‌توانیم ببینیم چگونه فعالیتها انجام می‌گیرد. خیابانها مملو از پیامهای ضد و نقیض است. استفاده از تابلو در فضاهای شهری از کنترل خارج شده و بجای اینکه به روشن کردن معنی محیط کمک کنند آنها مخدوش کرده‌اند ... یک نظام اطلاعاتی خوب اعم از اینکه عمومی

باشد یا خصوصی، می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای خوانایی و رسایی محیط را ارتقاء بخشد [بنابراین] علائم و تابلوهای شهری وسایل بالقوه قدرتمند برای معنی‌دارتر کردن و جذاب‌تر کردن شهر هستند، لیکن عمدتاً مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند (همان، ص ۲۳۴).

علائم و تابلوهای شهری به دو دسته قابل تقسیم هستند:

الف) تابلوهای راهنمای مسیر که شامل تابلوهای اسامی معابر و اماکن، تابلوی مساجد، تابلوی پارکها و تابلوی هدایت شهری (فلش) می‌گردد.

ب) تابلوهای راهنمایی و رانندگی که خود به سه دسته تقسیم می‌گردند:

- تابلوهای اخطار کننده (اعلام خطر) که به شکل مثلث با حاشیه‌ای به رنگ قرمز می‌باشند که مفهوم این دسته از تابلوها این است که وجود خطر را هشدار می‌دهد.

- تابلوهای بازدارنده (حکم کننده)، به شکل دایره با حاشیه‌ای به رنگ قرمز می‌باشند مفهوم این دست از تابلوها این است که راننده را از ارتکاب امر یا اموری نهی و ممنوعیت موضوع خاصی را اعلام می‌دارد.

- تابلوهای اخباری که متحدالشکل نیستند ولی بیشتر به شکل مربع مستطیل با متن و زمینه‌ای به رنگ آبی می‌باشد این دسته از تابلوها مفهوم اطلاعاتی و خبری دارند.

بنابراین با توجه به ویژگیهایی که در مورد علائم و تابلوهای راهنمای شهری عنوان گردید می‌توان گفت که در شهر اصفهان با وجود جذب بالای گردشگران از داخل و خارج از کشور و نیاز آنان به این دست از نشانه‌های شهری در جهت یابی و پیدا نمودن مسیر حرکتشان ضعیف عمل شده است و این مسأله را در عدم توجه به مکان نصب تابلوها به خوبی می‌توان مشاهده نمود، کاربرد تابلوهای متعدد به همراه چراغهای راهنما در چهار راهها نه تنها قادر نیستند به خوانایی محیط کمک نمایند بلکه سبب سردرگمی و اغتشاش ذهنی شهروندان و افراد غیربومی می‌گردند به خصوص در مواردیکه با عناصر تبلیغاتی آمیخته شده‌اند و در مورد رنگ تابلوها بایستی گفت کاربرد زمینه رنگ سفید و نوشتار آبی شاید در فصل تابستان به خوبی به چشم آیند ولیکن در فصل زمستان و بارش برف به سبب عدم کنتراست با رنگ فضا جذابیتی را ایجاد نموده و در زیبایی فضای سرد زمستانی مؤثر واقع نخواهند گردید.

تجهیزات روشنایی شهر: از تجهیزات مهم شهری که نقش قابل توجهی در خوانا نمودن شهرها در شب و همچنین احساس امنیت در شهروندان دارند «سیستم روشنایی شهر» می‌باشد که به سبب افزایش ایمنی در خیابانها و به خصوص در مراکز شلوغ و پر رفت و آمد و سهولت تشخیص هویت و موقعیت فضاها را مختلف شهری توسط شهروندان بسیار مورد توجه می‌باشند.

میزان روشنایی در فضاهای مختلف شهری برحسب کارکرد و وسعت فضا و تعداد مراجعه کنندگان به آن فضا متغیر می‌باشد مثلاً در پارکها و مراکز خرید بایستی از بیشترین نور جهت تأمین رفاه و آسایش شهروندان بهره گرفت.

نورپردازی پلها، میادین، معابر که بایستی متناسب با فضا صورت گیرد ضمن تأمین روشنایی این فضاها به زیباسازی شهر در شب کمک قابل توجهی می‌نماید و فضاها را برای شهروندان قابل درک می‌سازند. گاهی اوقات نورپردازی شهرها حالتی نمادین می‌یابد که معمولاً در هنگام مناسبتها و جشنهای ملی و مذهبی این امر محقق می‌گردد مانند آذین‌بندی درختان با کاربرد نورها و چراغهای رنگی در اعیاد مذهبی چون میلاد امام زمان، عید غدیر و ... که احساس خوشایندی را در شهروندان ایجاد می‌نماید کاربرد نورهای رنگی در آب‌نماها در شب سبب خلق فضاهایی جذاب و تأثیرگذار بر شهروندان می‌شوند که همه و همه در نهایت تصویری زیبا از شهر در ذهن شهروندان ایجاد می‌نمایند.

چنانچه نورپردازی اماکن مختلف در شهرها براساس استانداردها صورت گیرد شهر بسیار زیباتر از روز جلوه می‌نماید و نه تنها تاریکی نگرانی و ترس را در شهروندان به همراه نخواهد داشت بلکه احساس لذت بیشتری از حضور در شهر در شب نسبت به روز خواهند نمود.

نکته‌ای که نباید فراموش شود نورپردازی مغازه‌ها و نقش مؤثر آنها در خوانایی فضای پیرامونی آنها می‌باشد. استفاده از نورهای رنگی بایستی بیش از حد باشد زیرا از میزان اثربخشی آنها کاسته می‌شود و روشنایی شهر بایستی هم پاسخگوی شهروندان سواره و هم پیاده باشد. استفاده از نورهای رنگی ملایم در محیطهای شلوغ و پر رفت و آمد می‌تواند آرامش را به شهروندان هدیه دهند و به کارگیری نورهای با رنگهای تند (قرمز، نارنجی) می‌تواند در محیطهای خنثی ایجاد تنوع و سرزندگی نمایند.

به طور کلی می‌توان روشنایی‌های تزئینی را برای موارد زیر به کار برد:

الف) بناهای منحصر به فرد و خاص که حالتی سمبلیک و نمادین برای شهروندان دارند.

ب) بناهای یادبود (مونومنتال)

ج) تندیسها

د) آب نماها و فواره‌ها

ه) آذین‌بندی برای اعیاد و جشنها و یا مناسبتها ویژه

ی) روشن نمودن موضعی گیاهان و فضاهای سبز شهری

شهر اصفهان نیز از روشنایی تزئینی جهت زیباسازی شهر در شب بهره‌ای مناسب گرفته است به طوری که زیبایی شهر را در شب دو چندان می‌سازد اما در فضاهای عمومی و مراکز تجاری روشنایی شهر تا زمانی می‌باشد که مغازه‌ها باز هستند و با بسته شدن مغازه‌ها به خصوص در بافت قدیم و در محدوده سبزه میدان

شهر در تاریکی فرو می‌رود به خصوص در محدوده پیاده‌روها که بنا بر گفته شهروندان با بسته شدن مغازه‌ها دیگر هیچ خانمی جرأت حضور در این محدوده را ندارد (به سبب عدم احساس امنیت) بنابراین روشنایی شهر نقش مهمی در کاهش جرایم شهری دارد که البته رنگ نورها در این امر نیز مؤثر می‌باشند. در محدوده چهارباغ بالا نیز بیشتر روشنایی خیابان از تزئینات و نورپردازیهای مغازه‌ها می‌باشند اما به نسبت پایین شهر از نورپردازی مساعدتری برخوردار است. استفاده از نورهای رنگی در زیر پلها جهت متمایز نمودن فضای زیر پل، تزئین درختان با چراغهای رنگی و نورپردازی آب نماها جلوه زیبایی در شب به شهر می‌بخشد به ویژه در ایام مناسبتهایی چون اعیاد مذهبی و یا عید باستانی نوروز. به کارگیری نورهای رنگی در سطح رودخانه زاینده‌رود و روشن نمودن موضعی فضاهای سبز اطراف رودخانه نیز جلوه خاصی در شب به این عنصر طبیعی و با اهمیت می‌بخشد.

نکته تعجب‌آور اینکه با توجه به این مسأله که میدان نقش جهان در ذهن شهروندان و حتی گردشگران به عنوان نماد شهر شکل گرفته اما از نورپردازی مناسب بناهای منحصر به فرد برخوردار نیست.

صندوقهای پستی و سایر تجهیزات شهری: مدیران شهری جهت رفاه شهروندان صندوقهای پستی را در سطح شهر نصب کرده تا شهروندان را از مراجعه به ادارات پست بی‌نیاز سازند اما نکته مهم این است که شهروندان این اطمینان خاطر را داشته باشند که صندوقها مربوط به اداره پست بوده به همین جهت از لحاظ نشانه شناختی بایستی صندوقها یکرنگ و متحدالشکل بوده و علامت اداره پست بر آنها حک گردیده باشد و از نظر زیباشناختی نیز تمیزی و شفافیت رنگ و فرم صندوقها مورد توجه می‌باشد. صندوقها بایستی در مکانی نصب گردند که شهروندان به راحتی بتوانند مرسولات خود را به داخل آنها بیاندازند.

پلهای عابر پیاده نیز که معمولاً جهت عبور اشخاص پیاده در نظر گرفته می‌شوند بایستی از طراحی زیبا و دلنشینی برخوردار باشند و عدم وجود هماهنگی و یکنواختی در نصب این پلها در سطح یک خیابان و حتی یک شهر سبب ناهنجاری و نابسامانی از لحاظ ویژگیهای بصری می‌گردند امری که در شهر اصفهان به وضوح دیده می‌شود و متأسفانه در طول یک خیابان با انواع متنوعی از این دست پلها رو به رو می‌گردیم که شاید وظیفه کارکردی خود را به انجام برسانند اما به بالا بردن کیفیت بصری و زیباشناختی شهر هیچ کمکی نمی‌کنند.

از دیگر تجهیزات شهری که در چهره شهر ضمن ویژگیهای کارکردیشان بسیار تأثیرگذار می‌باشند باجه‌های فروش بلیط، تلفن، کیوسکهای فروش روزنامه، مجلات و ... هستند که البته محل نصب آنها نیز از نکات بسیار مهم می‌باشد که یکی از مهم‌ترین مسائل که بایستی در مورد آنها در نظر گرفته شود رعایت و حفظ حریم‌ها می‌باشد. رنگ، فرم و جنس این دست از مبلمان شهری بایستی مورد توجه مدیران شهری

قرار گیرند. کیوسکهای مخصوص فروش گل که معمولاً در نزدیکی بیمارستانها نصب می‌گردند در صورت داشتن طراحی، نصب در موقعیت مناسب می‌تواند جلوه‌ای مطلوب به شهر ببخشند.

تزیینات گیاهی و فضای سبز در فضاهای باز شهری: گیاهان به علت تنوع در شکل، بافت، اندازه و رنگ و تغییرات فصلی از مهم‌ترین عوامل مرئی زنده و طبیعی بافت شهرها به شمار می‌آیند که در نقش حیاتی آنها در فضا سازی و معماری شهرها تردیدی نیست. ترکیب هنرمندانه عناصر طراحی شامل خط، فرم، بافت و رنگ برای نیل به زیبایی در منظر سبز نقش غیرقابل انکاری دارد، به گونه‌ای که در انتخاب گونه‌های گیاهی جنبه‌های زیباشناختی گیاهان مانند شکل عمومی گیاهان، شکل و رنگ برگها، فصل و رنگ گل، رنگ پیوسته تنه، همیشه سبز یا خزان‌دار بودن باید مورد توجه قرار گیرد. اما ضمن توجه نمودن به امر زیبا-شناسی گیاهان بایستی نحوه عمل و استفاده مناسب و صحیح از گیاهان نیز مورد توجه قرار گیرد.

اغلب مشکل می‌توان فرقی بین خواص عملی و خواص زیباسازی گیاهان قائل شد. مثلاً وقتی در اتوبانها گیاه کشت می‌گردد تا از انعکاس مستقیم نور چراغ اتومبیل‌ها جلوگیری کند به زیبایی و زیباسازی آن اتوبان نیز کمک کرده‌اند. همینطور اگر برای پوشاندن محلی ناخوشایند یک ردیف گیاه کاشته شود در مرحله اول به زیبایی منطقه کمک شده و در ضمن نقش کلی آن یعنی پوشاندن محل ناخوشایند نیز ایفا شده است بنابراین می‌توان با سنجش ارزش گیاهان بهترین کاربرد آنها را تعیین نمود و در بهسازی فضاهای شهری از آنها استفاده مناسب نمود که ۴ نوع کاربرد را می‌توان در نظر داشت:

الف) کارکرد گیاهان در معماری (عناصر معماری، تقسیم فضا، ایجاد حفاظ، کنترل و ایجاد محوطه‌های خصوصی)

ب) کاربرد مهندسی گیاهان (کنترل صدا، کنترل ترافیک، پاکیزه‌سازی هوا، کنترل انعکاس و نورهای مزاحم، کنترل و تثبیت خاک)

ج) کاربرد گیاهان برای کنترل شرایط اقلیمی (کنترل اشعه نور خورشید، کنترل باد، کنترل باران و کنترل درجه حرارت) (روحانی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۳).

د) کاربرد زیبایی گیاهان

به طور کلی نیز آنچه بیش از همه در نظام کاشت گیاهی در طراحی منظر مهم است توجه به مؤلفه‌های زیر است:

- «انتخاب گونه‌های گیاهی در لایه‌ها و اندازه‌های مختلف، به نحو مطلوب از نظر توزیع عمودی فضا به منظور ساماندهی فضاها.

- انتخاب گونه‌های گیاهی در لایه‌ها و اندازه‌های مختلف به نحو مطلوب از نظر توزیع افقی فضا به منظور ساماندهی فضاها.

- ترتیب قرارگیری گیاهان و فواصل کاشت با توجه به عملکرد تعیین شده گیاهان.
 - توجه به زمان و طول عمر گیاهان مختلف در ایجاد منظر، چرا که در محیط سبز هیچ چیز ایستا نیست،
 توده‌ها، فضاها، الگوها و بافتها - تمامی ترکیب. در یک دگرگونی پیوسته است که باید مورد توجه طراح
 قرار گیرد.

- مکان به کارگیری گیاهان اعم از انواع پارکهای شهری، بولوارها، کمربندهای سبز، باغچه‌های شهری
 و نوارهای سبز کناری و میانی خیابانها و چشم‌اندازهای سبز که انتخاب گیاه را با توجه به عملکرد مورد نیاز
 و همچنین زیبایی محیط تحت تأثیر قرار می‌دهد، از اهمیت زیادی در طراحی منظر برخوردار است. به
 گونه‌ای که بهره‌مندی از گیاهان در معابر سواره و پیاده با توجه به تفاوت‌های حرکت سریع و سایل نقلیه و
 حرکت آرام عابر پیاده بسیار متفاوت است و همچنین است به کارگیری درختان در پارکها که امکان جلوه-
 های دیداری فضای سبز را از نزدیک برای شهروندان فراهم می‌کند تا نوارهای سبز آزادراهها که به دلیل
 وجود حرکت سریع در آنها، کاشت گیاهان ضمن ایجاد زیبایی محیط بیشتر از جنبه عملکرد زیست
 محیطی، هدایت ترافیکی و مقابله با نور شب مورد استفاده قرار می‌گیرند(احمدیه، ۱۳۸۵، ص ۹۳). عناصر طبیعی
 همواره در نزد ایرانیان از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند به طوریکه اکثر جشنهای ایرانیان با
 آدابی همراه بوده جهت پاکیزگی و پاسداری از محیط زیست و می‌توان گفت تقریباً همگی جشنهای ایرانی
 برگرفته از رویدادهای کیهانی و طبیعی بوده است مثلاً جشن آبسالان^۵ و یا جشن تیرگان (آبریزان) که در
 تیر روز از ماه تیر این جشن برگزار می‌شده است بنابراین علاقمندی ایرانیان به آب و فضای سبز سابقه‌ای
 طولانی داشته به همین جهت گستردگی فضاهای سبز در شهرها همواره در نزد شهروندان مهم بوده و
 مسوولین نیز توجه به این مهم را در برنامه‌های اصلی خود قرار داده‌اند. وجود رودخانه زاینده‌رود در شهر
 اصفهان این قابلیت را در این شهر کویری ایجاد نموده که ضمن داشتن اقلیمی گرم و خشک بتواند از
 فضاهای سبز به صورت گسترده بهره گیرد و امروزه شهروندان از آن به عنوان عامل اصلی و مهم در زیبایی
 و دلنشینی شهر اصفهان یاد می‌کنند و رودخانه زاینده‌رود را عامل تعلق خاطرشان به شهر اصفهان می‌دانند.
 لباس و آرایش شهروندان: از دیگر نشانه‌های شهری نوع پوشش و آرایش شهروندان می‌باشد که این
 امر در ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ و مجموعه اعتقادات و باورهای شهروندان نیز هست که "بر طبق نظریه
 نشانه‌شناسی زمانیکه یک فرد یک نوع پوشش را بر طبق مد انتخاب می‌کند یا در بعضی موارد براساس
 کدهای قانونی و قوانین لباس خود را انتخاب می‌کند درگیر عمل اجتماعی «سمبل‌گرایی» می‌شود اما ممکن
 است منجر به برقراری ارتباط نگردد و به عقیده نشانه‌شناسان تعامل سمبولیک تمام قوانین را از طریق
 فرهنگ آشکار می‌کند(Gottdiener, p 59).

۷- این جشن در اول اسفند ماه به مناسبت روان شدن جویباران و آبشارها برگزار می‌شده است.

نوع پوشش افراد یک جامعه تنها بیانگر یک معنا نمی‌باشد بلکه معانی مختلفی را می‌تواند منتقل نماید برای مثال: "پوشیدن پالتو پوست معنایی فراتر از آنکه فرد سردش می‌باشد خواهد داشت و با توجه به این امر رفتارهای اجتماعی معانی مختلفی را تولید می‌کنند که علاوه بر معنای اولیه معنای ثانویه‌ای را نیز داراست و یک پیام اجتماعی را ارائه می‌دهد. پوشیدن کت خزدار می‌تواند موقعیت اجتماعی، میزان ثروت و پروری از مد را نشان دهد (Ibid,p66). بنابراین با این تفاسیر توجه به نوع پوشش و آرایش شهروندان می‌تواند به ما در درک فرهنگ، قوانین اجتماعی حاکم و میزان تأثیرپذیری افراد یک جامعه از پدیده «مد» کمک نماید.

در بافت قدیمی و سنتی شهرها که معمولاً دور از تجملات و تزئینات ظاهری نیز هستند «سادگی» ویژگی بارز می‌باشد و چون اغلب ساکنان این محدوده‌ها با مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند، مخصوصاً مشکلات مالی، توجه چندانی به پدیده «مد» و خرید اجناس تجملاتی و تزئینی و یا لباسها و اجناس مارک‌دار ندارند و به سبب تأثیرپذیری شدید از هنجارهای اجتماعی و پایبندی بر اصول و برخی ارزشهای فرهنگی از پوشیدن برخی لباسها که با عرف و قوانین اجتماعی حاکم در چنین فضاهای سنتی مطابقت ندارند امتناع می‌نمایند و حتی چنانچه فردی با پوششی خارج از هنجارهای اجتماعیشان در چنین اماکنی حاضر گردد با برخوردها و رفتارهایی از جانب ساکنین مواجه خواهد گردید که چندان خوشایند فرد خارجی نیز نمی‌باشد و ذهنیتی نازیبا از آن محدوده فرد غیربومی پیدا می‌کند اما پیروی از پدیده «مد» و «تجمل‌گرایی» و توجه به اجناس گرانها و تزئینی در بافتهای جدید شهری امری است که به عین ملاحظه می‌گردد همانطور که در شهر اصفهان به خوبی قابل مشاهده بوده است. استفاده از لباسهای رنگی توسط قشر جوان و پیروی آنها از «مد روز» در پوششها و آرایش‌هایشان نشان از شکل‌گیری فرهنگی نو در کنار فرهنگ سنتی حاکم در بافت قدیم می‌باشد. در بافت جدید شهری با فضاهایی رو به رو هستیم به اصطلاح مدرن چون Fast Food، باشگاه‌های بیلارد، مراکز خریدی که به ارائه کالاهای مارک‌دار و مطرح در سطح جهانی می‌پردازند مخاطبان آنها نیز اقشار جوان و نوجوان با تیپهای کاملاً غیرسنتی و متأثر از فرهنگی دیگر هستند بنابراین آنچه سبب تفاوت در پوشش ساکنین دو بافت قدیم و جدید شهر اصفهان می‌باشد میزان دوری و یا نزدیکی از فرهنگ خودی و تفاوت‌های ارزشی است در بافت قدیم شهر اصفهان دختران و خانمها دارای پوشش کامل بوده و بسیار ساده و بدون پیرایه (استفاده از چادر مشکی) در عرصه عمومی ظاهر می‌گردند که همانطور در بالا ذکر گردید این امر می‌تواند بیانگر موقعیت اجتماعی، میزان ثروت و تأثیرپذیری از پدیده «مد» را در نزد شهروندان بافتهای قدیم و سنتی شهری مشخص نماید. بر طبق مشاهدات صورت گرفته در محدوده تحت بررسی این امر نیز محقق گردید که برخلاف بافت قدیم شهر که در صبح بسیار پررونق بوده و از جنب و جوش بیشتری از ساعات بعدازظهر برخوردار می‌باشد در بافت جدید عکس این امر صادق بوده به طوریکه در محدوده سبزه میدان اصفهان در ساعت ۸ شب کمتر می‌توان خانم جوانی

را مشاهده نمود و خیابان کاملاً تاریک و بی رونق می باشد در بافت جدید و محدوده چهار باغ بالا و شریعتی در غروب رونقی دو چندانی گرفته و جوانان با لباسها و آرایشهای خاص و ماشینهای آخرین مدل در این محدوده به خصوص در مقابل مجتمع های تجاری واقع در خیابان چهار باغ بالا حضور می یابند و به تفریح می پردازند.

نتیجه گیری

۱- نشانه های طبیعی چون رودخانه، کوه، فضاهاى سبز و ... قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر عامه مردم و شکل گیری سیمای شهر در ذهن آنان دارند همانطور که شهروندان اصفهانی در تعاریف و توصیفهایشان ابتدا بر «زاینده رود» به عنوان نشانه طبیعی و سپس به «سی و سه پل»، «پل خواجه» و «میدان نقش جهان» و «چهارباغ عباسی» به عنوان نشانه های نمادین تأکید داشتند و آنها را عمل تعلقشان به شهر بیان می کردند بنابراین با علم به این مسأله مدیران شهری با تقویت نشانه های طبیعی در شهرها به خصوص در شهرهای جدید که در میان شهروندان حس تعلق به مکان کمتر دیده می شود می توانند هم به زیباسازی شهر کمک نمایند و هم زمینه هایی را برای تعلقات شهروندان به محل سکونتشان فراهم کنند به خصوص زمانیکه نشانه های طبیعی با نشانه های نمادین و یا نشانه های گرافیکی همراه گردند و از آنجایی که یک نشانه در طول زمان تبدیل به نماد می گردد بنابراین بهره گیری از اصول زیباشناختی در نشانه های گرافیکی و تقویت این دست از نشانه ها در کنار نشانه های طبیعی در خوانایی شهرهای جدید و احساس تعلق خاطر شهروندان مؤثر می باشد حتی در مورد کلان شهرها که به سبب رشد بی رویه و خارج از کنترل آنها امروز کمتر شاهد توجه به مباحث زیباشناختی در این گونه از شهرها هستیم زیرا تمام توجه مدیران معطوف به پاسخگویی به نیازهای مادی شهروندان می باشد به همین علت نیز سلامت روحی - روانی شهروندان در کلان شهرها به مخاطره افتاده است زیرا همانگونه که به تفصیل در این تحقیق بیان گردید توجه به بعد زیباشناختی شهرها در آرامش روحی و خلق فضایی مطلوب و نیکو از شهر در ذهن شهروندان و در نهایت احساس تعلقشان به شهر غیرقابل انکار می باشد.

۲- گفتیم هگل حس زیبایی را اینگونه تعریف نموده: "... حس زیبایی حسى نیست که طبیعت آنرا به ما داده باشد و مانند یک غریزه کور بتوانیم در نهایت ذات، زیبایی را آنآ تشخیص دهیم، این حس نیاز به آموزش دارد و حس زیبایی آموزش یافته را سلیقه می گوئیم" بنابراین به عقیده هگل حس زیبایی و اینکه چه چیز را می توان زیبا دانست سلیقه ای می باشد که تحت تأثیر آموزش نیز هست مسلماً آن شخصی که علم زیباشناختی دارد و به اصول طراحی و زیباشناختی آشنا است با شخصی که از سطح سواد بالایی برخوردار نمی باشد حس زیباشناختی یکسانی نخواهد داشت پس حس زیبایی امری نسبی بوده و اطلاق «زیبایی» به یک شی، بنا و حتی یک شهر از دید افراد مختلف متفاوت خواهد بود. حس زیبایی که با لذت و مطلوبیت

همراه است با حس تعلق رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. بنابراین با توجه به میحث مورد بررسی شاخص‌های شهر زیبا از دید عوام با متخصصان در حوزه زیباشناسی و طراحی کاملاً متفاوت بوده و این به همان «آموزش» هگل بر می‌گردد. از نظر عوام یک شهر زیبا بایستی فضای سبز مطلوب داشته باشد، پاکیزه باشد و از روشنایی مناسبی در شب برخوردار باشد، که تأکید عوام بر این شاخص به میحث خوانایی شهر باز می‌گردد زیرا گفتیم شهر ناخوانا سبب اضطراب، نگرانی و احساس ترس در شهروندان گشته و در نهایت شهروندان به سبب این احساس نامطلوب سیمایی نیکو از شهر در ذهن خود نمی‌سازند و در نتیجه تعلق خاطر نیز به شهر پیدا نمی‌کنند بنابراین روشنایی مطلوب فضاهای شهری به خصوص فضاهای عمومی و پر رفت و آمد به سبب خوانا نمودن فضای شهر از نظر عوام یکی از مهم‌ترین شاخص‌های زیباشناختی شهر می‌باشد همچنین نباید فراموش کرد که بهره‌گیری صحیح از نورها متناسب با شرایط فضایی، استفاده از نورهای رنگی جهت شاخص ساختن برخی فضاها به خصوص در فضاهای نمادین همه و همه در خوانایی شهر مؤثر می‌باشند و سبب ارتقاء کیفیت بصری شهر نیز می‌گردند.

۳- موقعیت مکانی نشانه‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان دارند که این امر در طی مطالعات میدانی و تأکید شهروندان بر نشانه‌هایی که هر روز در مقابل دیده‌گان نشان خواسته یا ناخواسته می‌باشند به سبب واقع‌گردیدن در محور اصلی شهر محقق گردید. رودخانه زاینده‌رود که به عنوان محور طبیعی - اصلی شهر اصفهان محسوب می‌گردد، خیابان چهارباغ، پلهای خواجه و سی و سه چشمه به سبب آنکه در مرکز شهر و در مسیر اصلی شهر واقع گردیده‌اند به خصوص خیابان چهارباغ که محور مصنوعی - اصلی شهر می‌باشد در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن شهروندان اصفهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند که البته سمبلیک بودن آنها را نمی‌توان نادیده گرفت. میدان نقش جهان نیز که به صورت مجموعه‌ای منسجم می‌باشد به سبب ارتباط با محور اصلی چهارباغ و مرکزیت آن مورد توجه شهروندان می‌باشد زیرا همانطور که گفتیم «میدان» همواره از جایگاه مهمی در شکل‌دهی و سامان بخشیدن به ساختار و عناصر فضایی شهر اصفهان برخوردار بوده و عناصر اصلی شهر در هر دوره از تاریخ این شهر حول «میدان» شکل یافته‌اند بنابراین دو عامل مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- نشانه‌هایی که از لحاظ مکانی در موقعیتی واقع گردیده‌اند که مرتب در نقطه دید شهروندان قرار دارند و در شکل‌گیری سیمای شهر در ذهن آنها تأثیر گذارتر می‌باشند.

۲- نشانه‌هایی که به صورت یک مجموعه به هم پیوسته و منسجم می‌باشند قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر شهروندان دارند به خصوص در مورد نشانه‌های نمادین.

۴- شهرهای تاریخی چون اصفهان، یزد، کرمان و ... از دو بافت شهری تشکیل گردیده‌اند یک بافت قدیم که اساس و پایه اولیه شهر می‌باشد و عناصر ساختاری آنرا مسجد جامع، بازار، ارگ حکومتی و

محللات مسکونی تشکیل می دهند و بافت جدیدی که در اثر گسترش شهر در طول زمان شکل می گیرد. در مطالعات انجام شده از مقایسه دو بافت قدیم و جدید شهر اصفهان به دو نتیجه کلی می توان اشاره نمود:

- دوام و ماندگاری سنت در بافت قدیم اصفهان (نوع پوشش زنان و دختران، اجناس فروشگاهها، سبک چیدمان مغازه ها، رونق بازار و حفظ کارکرد آن وجود مساجد متعدد و اماکن مذهبی چون حسینیه، اسامی مغازه ها و ...)

- وجود نوعی آشفته گی فضایی و ناهماهنگی در بافت قدیم و تنزل کیفیت بصری این محدوده.

پی نوشت ها

- | | |
|-----------------|-------------------|
| 1-Image ability | 4-semiotic |
| 2-Space | 5-Urban Ethnology |
| 3-Aesthetics | |

منابع

- احمدیه، مؤگان (۱۳۸۵). "شهر، فضای سبز، زیبایی، جستارهای شهرسازی". *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۱۷ و ۱۸، پاییز، اداره کل مسکن و شهرسازی استان اصفهان (۱۳۶۷). "طرح تجدیدنظر در طرح جامع و تفصیلی اصفهان". پاییز، (۱۳۷۰). "طرح تفصیلی منطقه تاریخی اصفهان". دیماه،
- اهری، زهرا (۱۳۸۵). "خیابان چهارباغ اصفهان، مفهومی نواز فضای شهری". *گلستان هنر* ۵، پاییز، بانی مسعود، امیر (بی تا). "جایگاه نشانه شناسی در شکل گیری معماری پست مدرن عوام گرا"، *فصلنامه معماری فرهنگ*، شماره بیست و سوم.
- بحرینی، حسین (۱۳۷۵). *تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، بذرگر، محمدرضا (۱۳۸۲). *شهرسازی و ساخت اصلی شهر*. ویراستار محمدباقر نگهبان. شیراز: کوشامهر،
- _____ (۱۳۷۷). *فرایند طراحی شهری*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ،
- بلانت، ویلفرد (۱۳۸۶). *اصفهان مروارید ایران*. ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، به کوشش محمدعلی احمدی نژاد. اصفهان: خاک،
- بهبهانی، حمید؛ و حامد، پیمان (۱۳۷۹). *راهنمای طرح خیابانهای شهری*. اصفهان: نشر ارکان اصفهان،
- بیک محمدی، حسن (۱۳۸۶). *اصفهان و گردشگری*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل،
- پاکزاد، جهان شاه (۱۳۷۸). "فرم، شکل، گشتالت". *فصلنامه معماری و فرهنگ*، شماره اول، تابستان،
- پیرموره، ژان؛ و لیزساری، آلن (بی تا). *فضاهای شهری*. ترجمه حسین رضایی، میرمعزالدین مجابی، و محسن رسول. تهران: واحد انتشارات شرکت پیام رسا،
- تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۵). "توسعه پایدار شهری و رفاه اجتماعی شهروندی"، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار،
- تیبالدر، فرانسیس (۱۳۸۱). *شهرسازی شهروندگرا*. ترجمه محمد احمدی نژاد. اصفهان: خاک،

جستاری بر انسان شناسی / نشانه شناسی شهری و نقش آن در خوانایی فضاهای شهری ۶۹

جابری انصاری، حسن خان (۱۳۷۸). **تاریخ اصفهان**. تصحیح و تعلیق جمشید سروشیار (مظاهری). اصفهان: مشعل، حبیبی، محسن (۱۳۷۸). **از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر**. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ،

شفقی، سیروس (۱۳۸۱). **جغرافیای اصفهان**: به ضمیمه یکصد و پنجاه قطعه نقشه، نمودار و عکس. ویرایش ۲. اصفهان: دانشگاه اصفهان،

صفوی، کوروش (۱۳۸۱). "درک نشانه". **فصلنامه خیال** (فرهنگستان هنر)، زمستان، عمرانی، مرتضی (۱۳۸۴). **در جستجوی هویت شهری اصفهان**. به اهتمام سازمان ملی زمین و مسکن. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی،

فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). **انسان شناسی شهری**. تهران: نشر نی، گروتز، یورگ (۱۳۸۶). **زیباشناسی در معماری**. ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، مرکز چاپ و انتشارات،

لینچ، کوین (۱۳۸۵). **سیمای شهر**. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ [چاپ هفتم]، _____ (۱۳۷۶). **تئوری شکل خوب شهر**. ترجمه سیدحسین بحرینی. دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ،

محمودی، کوروش؛ و شکبیا منش، امیر (۱۳۸۴). **اصول و مبانی رنگ‌شناسی در معماری و شهرسازی**. تهران: هله؛ طحان، وزیرنیا، سیما (۱۳۸۱). "جایگاه نماد در نظام اندیشه یونگ"، **فصلنامه خیال** (فرهنگستان هنر)، زمستان،

ویتیک، آرنولد (۱۳۸۵). "مبانی زیبایی‌شناسی در محیط شهری"، جستارهای شهرسازی. ترجمه جواد مهدی زاده. **فصلنامه علوم اجتماعی**. شماره ۱۷ و ۱۸، پاییز،

DEAR, MICHAEL.J(2000). **The post modern urban condition**. blackwell publishers,

Gottdiener, Mark(1995). **Post modern semiotics**.blackwell publishers,

www.fakouhi.com

www.aftab.ir

www.reference.islamic.art-net/architecture

www.culture.arouna.ir

www.CAUSAR.gov.ir

www.hamshahrionline.ir

www.ensips.con/user/parandeysefid

www.isfahan.us

www.isfahanportal.ir

www.isfahan.ir

www.shahdari.isfahan.ir

www.ostan-es.ir